

قیام به خدمت

مؤسسہ روحی

کتاب دوم

طا - ۱۵۹ ب

مجموعه کتب روحی:

کتاب اوّل تأملاتی بر حیات روح انسان

مشمّل بر: «فهم آثار بهایی»

«دعا و مناجات»

«حیات و ممات»

کتاب دوّم قیام به خدمت

مشمّل بر: «شوق تبلیغ»

«تزیید معلومات در مواضع امری»

«معرفی عقاید بهایی»

کتاب سوّم آموزش دروس امری به اطفال، کلاس اوّل

مشمّل بر: «بعضی از مبانی تربیتی بهایی»

«دروسی برای کلاس اوّل اطفال»

«اداره کلاس برای اطفال»

کتاب چهارم دو مظهر ظهور الهی

مشمّل بر: «عظمت این یوم»

«حیات حضرباب»

«حیات حشرت بهاءالله»

کتاب پنجم آموزش کلاسهای اطفال، کلاس دوّم و سوّم

مشمّل بر: «دروسی برای کلاس دوّم اطفال»

«دروسی برای کلاس سوّم اطفال»

کتاب ششم تبلیغ امرالله

مشمّل بر: «طبیعت روحانی تبلیغ»

«خصائص و ویژگیهای مبلغ»

«اقدام به تبلیغ»

کتاب هفتم یاری به دیگران در مطالعه کتب ۱-۶

مشمول بر: «سییل روحانی»

«تیوتر شدن»

«استفاده از هنرها»

کتاب هشتم عهد و میثاق

مشمول بر: «میثاق الهی»

«میثاق حضرت بهاءالله»

کتاب نهم رفاه خانواده

مشمول بر: «حیات خانواده بهائی»

«اعطاء، اساس روحانی رفاه»

همکاران گرامی:

هدف از واحدهای درسی مؤسسه روحی به طور عموم رسیدن به سه مقصد کلی است.

۱- ایجاد بینش درخصوص موضوعات روحانی.

۲- کسب دانش درباره امر مبارک.

۳- کمک به پرورش مهارت در انجام خدمات خاص.

البته هر واحد ممکن است تأکید بیشتری بر یکی از مقاصد فوق نماید. واحدهای کتاب یک روحی به همراهان کمک می کند بینششان در برخی مطالب روحانی افزایش یابد. کتاب دو بیشتر مهارتها و منشیهای لازم برای انجام خدمات خاصی را در نظر گرفته است.

مفهوم اصلی کلیه واحدهای کتب مؤسسه روحی بدون توجه به تأکیدات خاص هر کدام از آنها این است که «راه خدمت را بیماییم». آنان که در برنامه های مؤسسه وارد می شوند، در راه پیشرفت روحانی شخصی و خدمت به دیگران قدم می گذارند. دوره های مختلفه مؤسسه به همراهان مفاهیم مهم را ارائه می دهد و کمک می کند تا در ترقی صفات و منشیهای روحانی خود تمرکز نمایند و آنها را با مهارتها و فنون لازمه جهت حرکت در راه قیام به خدمت مجهز می سازد. این راه لزوماً با خدمات بسیار ساده شروع می شود و سپس با ازدیاد ظرفیتهای همراهان، نوع خدمات پیچیده تر و دشوارتر می شود.

اولین نوع خدمت در بخش دوم این کتاب، «مباحثی جهت تزئید معلومات» معرفی می شود. این بخش به همراهان کمک می کند تا توانایی خود را در دیدار منظم از خانه های تازه تصدیقان جدید توسعه دهند و با آنان تعدادی موضوع، از جمله عهد و میثاق، حیات حضرت بهاءالله، محبت و اتحاد در جامعه، جلسات بهایی و ضیافات نوزده روزه، اهمیت پرداخت تبرعات و تبلیغ امرالله را در میان بگذارند. در انتهای هر مبحث سؤالات و تمرینهایی تنظیم شده است بعضی از این سؤالات، برای افزایش فهم همراهان راجع به خود مبحث می باشد و بعضی دیگر از سؤالات، فن و مهارت ارائه مطالب به خانواده های تازه تصدیق را یاد می دهد و برخی دیگر از تکالیف، مربوط به صفات روحانی و منشیایی است که لازمه قیام به این خدمت است.

برای بیشتر همراهان، این اولین موقعیتی است که جهت مطالعه عمیق مطالب مورد بحث فراهم شده است. باید متذکر بود که فراگیری مطالب در حینی که با دیگران در میان گذاشته می شود انجام می پذیرد. امید است که این روش آغاز حیاتی باشد که پیشرفت فردی و خدمت به دیگران مکمل یکدیگر گردند و دو هدف مختلف و یا گاهی متضاد تلقی نگردند.

مانند کلیه دوره های مؤسسه اگر تعداد همراهان در یک کلاس زیاد باشد راهنما باید آنان را به گروههای کوچک تقسیم نماید. بخشهایی که تا به حال شرکت کنندگان مطالعه کرده اند به طور کلی حاوی بیانات مبارکه کوتاه و به دنبال آن سؤالات و تمرینهایی بود که به همراهان کمک می نمود تا بینش جدیدی نسبت به آثار مبارکه حاصل نمایند. در این بخش مطالب ملاقاتها نسبتاً طولانی تر می باشد و بیانات مبارکه

ضمن آن گنجانده شده است. بعد از یک بار خواندن مطلب ممکن است مقدار کمی از آن در خاطر بعضی از همراهان مانده باشد بنابراین لازم است که دوباره مبحث را چندین بار قسمت به قسمت مطالعه کنند و از یکدیگر سؤال کرده و به زبان ساده تکرار کنند. وقتی که این کار انجام شد همراهان به جواب سؤالات می پردازند تا فهمشان از بیانات مبارکه بیشتر شود و فکر نمایند چگونه موضوع را به صورت یک نوع خدمت به دیگران، ارائه دهند.

البته به منظور پرورش توانائیا و مهارتهای لازمه، کافی نیست که همراهان فقط مواضع مورد بحث در این بخش را مطالعه کنند و سؤالات آن را جواب دهند بلکه باید فرصتهایی را برای آنان به وجود آورد تا بتوانند مهارتهای فرا گرفته را عملاً انجام دهند. هدف مطلوب آن است که همراهان به طور فردی و یا گروهی با دوستانی که تجربیات بیشتری دارند همراهی نمایند و از مؤمنین جدید بدین منظور دیدن نمایند. اگر این میسر نگردید می توانند به صورت نمایشنامه اجراء کنند که یک نفرشان شخص مبلّغ باشد و بقیه، خانواده مؤمنین جدید را تشکیل دهند.

بخش سوم این کتاب «معرفی اعتقادات اهل بهاء» راجع به مهارتهایی در زمینه تبلیغ امرالله است هر چه تجربیات در تبلیغ امر زیادتیر شود تواناییهای همراهان در معرفی عقاید اهل بهاء در ضمن گفتگو افزایش می یابد. بدین منظور قسمتهایی کوتاه از مطالب مختلفه ارائه گردیده است که هر چند عیناً بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء نمی باشد ولی بر اساس خطابات و الواح آن حضرت است و حاوی کلمات و جملات بسیاری است که ایشان استفاده نموده اند. مانند قسمت قبل، همراهان باید قطعات را به دقت بخوانند و در گروههای کوچک آنها را بیاموزند تا به خوبی با افکار ارائه شده آشنا شوند و بتوانند به سهولت با کلمات خود مطالب را بازگو نمایند. تمرینهای بعد از هر مطلب، طوری تنظیم شده است تا به همراهان کمک نماید تفکر کنند چگونه مطالب فرا گرفته شده را در حین بحث اظهار کنند و چطور به سؤالات دیگران جواب دهند. امید است همراهان با مطالعه این بخش، طرز فکر خود را با تعالیم مبارکه تطبیق دهند.

هدف این بخش آن است که به همراهان کمک کند تا عادت نمایند همواره به روش حضرت عبدالبهاء در حین خطابات و بیان مطالب در تبلیغ امر الهی توجّه نمایند همانند بخش دوم به کار بستن مهارتهای فرا گرفته از مراحل مهمه یادگیری همراهان به حساب می آید.

در ابتدا وقتی مؤسسه روحی مطالب بخش دوم این کتاب «مباحثی جهت تزئید معلومات» را ارائه نمود ملاحظه شد که بعضی از همراهان به بازدید خانواده ها و در میان نهادن مواضع تزئید معلومات با آنان ادامه می دهند ولیکن بعضی خیلی زود ذوق و شوق این کار را از دست می دهند.

جلسات مشورتی متعددی تشکیل گردید تا علت این امر معلوم شود و در نتیجه معلوم گردید فرق اساسی، درجه آگاهی یاران از منبع شوق و ذوقی است که در اثر تبلیغ حاصل می شود. آنهایی که به هیجان آنی قانع شده و یا منتظر تأیید و تشویق از خدمات خود بودند معمولاً در اقداماتشان دوام نمی یافتند. و دوستانی که مستمراً به ملاقات خانواده ها ادامه می دادند ذوق و شوق خود را در نفس عمل تبلیغ می یافتند.

بخش اول این کتاب «لذت و شوق تبلیغ» می‌کوشد که معانی و استلزامات این تفاوت مهم را بیان کند. ترتیب و تسلسل افکار در این بخش بدین نحو می‌باشد:

۱- در حین تبلیغ از یک موهبت خاصی برخوردار می‌گردیم: موهبت در میان نهادن کلمه الهیه نازل از قلم حضرت بهاء الله با دیگران. این فضل و موهبت ما را سرشار از سرور روحانی می‌نماید.

۲- ظهور حضرت بهاء الله را می‌توان به اقیانوسی تشبیه نمود که در قعر آن لئالی هدایت ربّانی نهفته است و باید سعی و کوشش را بنماییم تا به ساحل این اقیانوس رسیده و از مواهب آن استفاده نماییم.

۳- اقیانوس ظهور حضرت بهاء الله به نحوی عجیب به ما نزدیک است. اگر فقط اراده کنیم، می‌توانیم در یک لحظه به ساحل آن واصل گردیم.

۴- چون موهبت شناسایی حضرت بهاء الله شامل ما شده است می‌خواهیم لئالی هدایت ربّانی موجود در ظهور حضرتش را با دیگران در میان بگذاریم. در این کار از قوه کلمات خود آن حضرت استفاده می‌کنیم، این تنها قوه‌ای است که قادر بر تقلیب قلوب انسانهاست.

۵- از جمیع اقدامات زندگی روزانه ما، قسمتی که مربوط به ابلاغ کلمه الهی می‌گردد دارای منزلت خاصی است.

۶- شوقی که قلب ما را در حین تبلیغ به اهتزاز می‌آورد از نفس قیام به تبلیغ یعنی در میان نهادن کلمه الهی با دیگران سرچشمه می‌گیرد. توجه به دیگر امور مانند تأیید و تشویق دیگران، این شوق و مسرت را خراب می‌کند. انقطاع، لازمه اشتعال و شوق در تبلیغ است.

۷- باید آمادۀ هر گونه سعی و کوشش و فداکاری باشیم. باید متذکر شویم که بدین وسیله به سرور روحانی رسیده و در ترقی روحانی خود کمک می‌نماییم. فداکاری وقتی است که از هر چه پست تر است بگذریم و به امور برتر تمسک جوییم. هر چند این جریان دردناک باشد ولی در حقیقت موجب فرح و سرور خواهد بود.

لذّت و شوق تبليغ

هدف:

درک اینکه لذّت و شوق تبليغ در نفس در میان نهادن کلمه الهی است صرف نظر از نتایج فوری آن.

قسمت اول:

حال که تعدادی از بخشهای اولیه را در کتاب یک روحی به پایان رسانیده درباره برخی مبادی اساسی روحانی، بینش بیشتری یافته اید وقت آن است که تأمل کنید و به طور سیستماتیک درباره خدمات آتی خود به امرالله تفکر نمایید. در ضمن اینکه احتیاجات امرالله را بررسی نموده و سعی می نمایید کشف کنید که چگونه می توانید جوابگوی آنها باشید خوب است تصور نمایید که در سبیل خدمت با فرح و سرور طی طریق می نمایید با پیش رفتن در این راه از نصیب خود از مواهب لانهای الهیه بهره مند می گردید و تأییدات الهی مستمراً همراه اقدامات و مجهودات شما می گردد. در بدایت خدمات و مجهودات شما ساده تر هستند و با سهولت بیشتری تحقق می یابند اما با ازدیاد دانش و پرورش ظرفیتهای می توانید در میادین خدمت دشوارتری وارد شوید. البته قدم برداشتن در سبیل خدمت امتحانات بیشماری در بر خواهد داشت. اما اگر به یاد داشته باشید که همواره خداوند را به خاطر فرصتهای خدمتی که در اختیارتان می نهد شکر گوید و هرگز در سبیل خضوع و خشوع به آستان الهی و بندگان حق توقف ننماید، نتیجه نهایی هر یک از مجهودات شما، خواه کوچک و خواه بزرگ، موفقیت و پیروزی برای امرالله خواهد بود.

بسیاری از فعالیتها و اقدامات شما در حینی که مسیر خدمت را می پیماید در میدان تبلیغ امرالله خواهد بود. شما نفوس جدیدی را به امرالله هدایت خواهید کرد، کلاسهای برای اطفال منعقد خواهید ساخت، در تزئید معلومات یاران کمک نموده و در تحکیم جوامع محلی مشارکت خواهید نمود در جمیع این مجهودات از موهبت خاصی برخوردار خواهید شد و آن موهبت در میان نهادن کلمه الله نازله از قلم حضرت بهاءالله با دیگران می باشد. این فضل و موهبت شما را سرشار از مسرت عمیق روحانی می سازد.

تمرین:

۱- آیا معنی تبلیغ امرالله فقط تسجیل مؤمنین جدید است؟

۲- در لیست ذیل اقداماتی را که جزء فعالیتهای تبلیغی محسوب می گردد مشخص نمایید.

- بشارت ظهور حضرت بهاءالله را با یکی از دوستان در میان گذاشتن.

- کمک به تزئید معلومات یکی از مصدقین جدید.

- انعقاد بیوت تبلیغی در منزل خود.

- مشارکت در برنامه فشرده تحکیم و توسعه.

- فتح مناطق جدید.

- تشکیل کلاسهای امری برای گروه کوچکی از اطفال.

- همکاری و مساعدت در تشکیل یک گروه جوان بهایی.

- کمک به یکی از جوامع، در انعقاد جلسه ضیافت نوزده روزه.

- ایراد یک خطابه در مورد امرالله در یک مدرسه یا مؤسسه عمومی.

۳- در هنگام تبلیغ از چه فضل و موهبت خاصی بهره مند می شویم؟

۴- یکی از منابع لذت و شوق عمیق روحانی برای مبلغین چیست؟

۵- در گروه خود در مورد اینکه چه انگیزه هایی یک فرد بهایی را به تبلیغ و می دارد مشورت نمایید.

۶- نصّ ذیل را حفظ نمایید:

«أَنْ يَا أَيُّهَا الْمَسَافِرُ إِلَى اللَّهِ خُذْ نَصِيكَ مِنْ هَذَا الْبَحْرِ وَلَا تَحْرِمَ نَفْسَكَ عَمَّا قُدِرَ فِيهِ وَ كُنْ مِنَ الْفَائِزِينَ وَ لَوْ يُرْزَقَنَّ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِقَطْرَةٍ مِنْهُ لَيَغْنَيْنَّ فِي أَنْفُسِهِمْ بِغِنَاءِ اللَّهِ الْمُقْتَدِرِ الْحَكِيمِ. خُذْ بِيَدِ الْإِنْقِطَاعِ غُرْفَةً مِنْ هَذَا الْبَحْرِ الْحَيَوَانِ ثُمَّ رَشِّحْ مِنْهَا عَلَى الْكَائِنَاتِ لِيُطَهَّرَ هُمْ عَنْ حُدُودَاتِ الْبَشَرِ وَ يُقَرَّبَهُمْ بِمَنْظَرِ اللَّهِ الْأَكْبَرِ هَذَا الْمَقَرَّ الْمُقَدَّسِ الْمُنِيرِ»^(۱)

«ای مسافر به سوی خدا، نصیب خود را از این دریا اخذ کن و خود را از آنچه در آن مقدر شده محروم مساز و از زائرین باش. اگر همه اهل آسمانها و زمین به قطره ای از آن مرزوق شوند البته در نفسهای خود به غنای خداوند مقتدر دانا غنی خواهند شد. به دست انقطاع، کافی از این دریای حیات بردار و بر کائنات پاش تا آنان را از حدودات بشریه پاک سازد و به منظر اکبر، این جایگاه مقدس نورانی، رهنمون شود.» (ترجمه)

قسمت دوم:

ما می دانیم که در میان نهادن کلمه الله نازل از قلم حضرت بهاءالله با دیگران مصدر و منبع شادی و فرح بیکران در جمیع فعالیت های تبلیغی ما است. پس هر یک از ما باید در عظمت ظهور حضرت بهاءالله مکرراً تفکر و تأمل نماییم و سعی کنیم جواهر نهفته در آن را کشف نماییم. اجازه دهید با مطالعه این بیان مبارک حضرت بهاءالله شروع نماییم.

«ای بندگان مثل ظهور قدس احدیتم مثل بحری است که در قعر و عمق آن لثالی لطیفه منیره از ید از احصاء مستور باشد و هر طالبی البته باید کمر جهد و طلب بسته به شاطی آن بحر درآید تا قسمت مقدره در الواح محتومه مکنونه را علی قدر طلبه و جهده اخذ

نماید.»^(۲)

تمرین:

۱- ظهور حضرت بهاءالله را می توانیم به چه چیزی تشبیه نماییم؟

۲- تعدادی از لثالی لطیفه منیره مکنونه در این بحر را نام ببرید.

لثالی

لثالی

لثالی

لثالی

۳- جملات ذیل را کامل نمایید:

الف - هر طالبی ----- باید کمر ----- و ----- بسته به ----- آن بحر -----.

ب - ما باید جهد نماییم که به شاطی بحر ظهور حضرت بهاءالله درآییم تا به اندازه ----- و

خویش ----- خود را ----- نماییم.

۴- «کمر جهد و طلب» بستن به چه معنی است؟

۵- هر طالب برای چه منظوری باید کمر جهد و طلب بندد؟

۶- «علی قدر طلبه وجهده» به چه معنی است ؟

۷- حضرت بهاءالله در بیان مبارک می فرمایند: که هر نفسی به نسبت طلب و کوشش خود از این بحر

نصیب می برد. در این خصوص به سؤالات زیر را پاسخ دهید:

الف- چند نمونه از این طلب و کوشش را که برای دریافت مواهب ایشان انجام می دهیم بنویسید. ---

ب - نمونه هایی از این بهره و نصیب را بیان نمایید. ---

قسمت سوم:

با دانستن اینکه ظهور حضرت بهاءالله همانند بحری است که در قعر و عمق آن جواهر پرارزشی

مکنون و مستور است ما باید بسیار کوشش کنیم تا از این بحر نصیب بریم و به دیگران کمک کنیم که به

شاطی آن برسند.

«ای بندگان، تَاللهِ الْحَقِّ آن بحر اعظم لُجی و مَوَاج، بسی نزدیک و قریب است بلکه اقرب

از حَبَل ورید، به آنی به آن فیض صمدانی و فضل سبحانی و جود رحمانی و کرم عزّ

ابهایی واصل شوید و فائز گردید» (۳)

تمرین:

۱- جملات ذیل را کامل نمایید.

الف - آن بحراعظم لجی و مواج ----- است.

ب - آن بحر اعظم لجی و مواج ----- از ----- است.

ج - به آنی ما می توانیم به آن ----- صمدانی و ----- سبحانی و ----- رحمانی و

----- عزّ ابهایی واصل شویم و فائز گردیم.

۲- بحر اعظم «لجی و مواج» اشاره به چیست؟

۳- بحراعظم چقدر به ما نزدیک است؟

۴- به چه سرعت می توانیم به این بحر واصل شویم؟

قسمت چهارم:

پس از شناسایی عظمت حضرت بهاءالله و آگاهی از قریب بودن به بحر ظهور ایشان که در قعر و عمق آن لثالی گران قیمت نهفته است ما روح خویش را از ایمان سرشار می کنیم و مرواریدهای هدایت الهی را با دیگران در میان می گذاریم. مرواریدهایی که مستمراً در حین مطالعه، دعا و تأمل خویش کشف می نماییم. در این کار از قدرت کلمه الله استفاده می کنیم. پس بسیار مهم است که ما عمیقاً در قوّه کلمه الهیه و اثرات آن بر قلوب بشر تأمل نماییم.

این نصّ حضرت بهاءالله در درک و قدردانی از این قوّه عظیم به ما کمک می کند:

«کلمه الهی بمتابه نهال است مقررّ و مُستقرّش افنده عباد، باید آن را به کوثر حکمت و

بیان تربیت نمایید تا اصلش ثابت گردد و فرعش از افلاک بگذرد» (۴)

تمرین:

۱- کلمه الهیه بمتابه چیست؟

۲- ریشه نهال کلمه الهیه در کجا قرار دارد؟

۳- چگونه می توانیم رشد این نهال را سرعت بخشیم؟

۴- بعضی از صفات که بعد از ثبوت کلمه الهیه در قلوبمان از ما ظاهر می گردد ذکر کنید.-----

۵- مقصود از عبارت «تا فرغش از افلاک بگذرد» چیست؟-----

۶- در چند جمله شرح دهید که چرا انتشار کلمه الهی بی نهایت اهمیّت دارد؟-----

قسمت پنجم:

حال به فعّالیتهای متعدّدی که در زندگی روزمره ما را مشغول می سازند فکر کنید. ما جسم خود را تقویت می نماییم، کارکرده امرار معاش می نماییم، در برنامه های ورزشی و تفریحی شرکت می کنیم، درس می خوانیم تا کسب دانش نموده و قدرت فکری خود را توسعه بخشیم، مهارتهایی فرا می گیریم تا زندگی خود را بهتر سازیم. فعّالیتهای زیادی از این قبیل که برای ترقّی فکری و مادی ما مهم است بخش بزرگی از وقت ما را در بر می گیرد. اما چگونه وقتی را که در این فعّالیتهای صرف می نماییم با دقایقی که برای امور روحانی صرف می کنیم مقایسه می نمایید؟ یعنی وقتی را که صرف دعا می کنیم یا وقتی را که صرف تعمق در آثار می کنیم یا وقتی را که به ابلاغ کلمه الله به دیگران اختصاص می دهیم؟ آیا ساعاتی را که به تنهایی یا با دوستان صرف مطالعه آثار مبارکه می نماییم و یا هنگامی که کلاسهایی برای تعلیم اطفال ترتیب داده تا ریشه نهال کلمه الله در قلوبشان انبات گردد و یا لحظاتی که به فضل پروردگار نفوسی را به شاطی بحر اعظم هدایت می نماییم و کمک می کنیم تا جواهر لطیفه مکنونه در بحر ظهور را کشف نمایند، آیا این لحظات بی نهایت گرانبها نمی باشند؟ آیا سروری اعظم از نصیب یافتن از این مواهب آسمانی وجود دارد؟ باید همیشه به خاطر آریم چگونه حضرت عبدالبهاء قوای خود را صرف تبلیغ امرالله نمودند و آرزو داشتند امر پدر پزرگوارشان را به اطراف و اکناف عالم منتشرنمایند.

«ای کاش از برای من میسر می شد که پای پیاده ولو به کمال فقر به آن صفحات

مسافرت می نمودم و نعره زنان در شهرها و دهات و کوه و بیابان و دریا، یا بهاءالابهی

می گفتم و ترویج تعالیم الهی می نمودم ولی تا حال از برای من میسر نه، لهذا در

حسرتی عظیم هستم بلکه انشاءالله شما ها موفق گردید» (۵)

تمرین:

۱- لیستی از فعّالیتهایی را که در زندگی باید انجام دهید تهیه کنید. چه مایل به انجامش باشید چه

نباشید.

۲- به کارهایی که دوست دارید انجام دهید فکر کنید و لیستی از آنها به ترتیب سروری که برای شما

ایجاد می کنند، تهیه کنید.

۳- بدون شک اقداماتی که دوست دارید انجام دهید هم برای خودتان و هم برای دیگران مفید هستند.

آیا سروری که از این فعالیتها درخود احساس می نماید فقط به دلیل نتایج آن است یا نفس عمل به آن نیز

شما را مسرور می سازد؟

قسمت ششم:

به این نتیجه رسیدیم که از تمام کارهایی که در حیات خود انجام می دهیم لحظاتی که به نشر نفعات الله می گذرد شامل تأییدات خاص الهی است. اما باید همیشه به خاطر داشته باشیم سروری که در هنگام تبلیغ به دست می آوریم از نفس تبلیغ و مشارکت در بحث و تأمل در کلمه الله حاصل می گردد. اگر این را فراموش کنیم افکار دیگر، نور سرور را در قلب ما ضعیف بلکه خاموش خواهند ساخت. چنانچه به نحوه استقبال نفوس از تعالیم امر مبارک بسیار اهمّیت دهیم و یا شدیداً تحت تأثیر انتقادات سایرین قرار گیریم و یا منتظر تشویق و تحسین و تمجید دیگران باشیم، لذّت و شوق تبلیغ را از دست می دهیم. آنچه باید در حین تبلیغ الهام بخش ما باشد محبّت الهی است، نه آرزوی موفّقیت و یا حصول منفعت، یا معروفیت و شناسایی و تحسین دیگران، انقطاع از جمیع این شئون لازمه تبلیغ سرورانگیز است.

مطالعه نصوص زیر به شما کمک خواهد کرد که بر روی این مسائل بسیار مهم تأمل نمایید:

«ای صاحب دوچشم، چشمی بر بند و چشمی برگشا، بر بند یعنی از عالم وعالمیان، برگشا

یعنی به جمال قدس جانان» (۶)

«ای دوستان، به جمال فانی از جمال باقی مگذرید و به خاکدان ترابی دل مبندید» (۷)

«يَا ابْنَ الْبَيَانِ وَجْهَ بَوَجْهِهِ وَاعْرِضْ عَنْ غَيْرِي لِإِنَّ سُلْطَانِي بَاقٍ لَا يَزُولُ أَبَدًا وَ مُلْكِي دَائِمٌ

لَا يَحُولُ أَبَدًا وَإِنْ تَطَلَّبَ سِوَايَ لَنْ تَجِدَ لَوْ تَفَحَّصَ فِي الْوُجُودِ سَرْمَدًا أَرْلًا» (۸)

«ای پسر بیان، به من روی کن و از غیر من روی بگردان. زیرا قدرت من باقی و برقرار

است پایان نمی پذیرد و ملک من جاودانی است، تغییر نمی نماید. اگر غیر مرا بخواهی

هرگز نمی یابی، اگر چه در عالم وجود تا به ابد جستجو نمایی.» (ترجمه)

«ای بیگانه با بیگانه شمع دلت برافروخته دست قدرت من است آنرا به بادهای مخالف

نفس و هوی خاموش مکن و طبیب جمیع علّتهای تو ذکر من است فراموشش منما حبّ

مرا سرمایه خودکن و چون بصر و جان عزیزش دار» (۹)

«الْإِنْقِطَاعُ شَمْسُ إِذَا اشْرَقَتْ مِنْ أَفْقِ سَمَاءِ نَفْسٍ تَنْخَمِدُ فِيهَا نَارُ الْحَرَصِ وَالْهُوَى كَذَلِكَ يُخْبِرُكُمْ مَالِكُ الْوَرَى إِنْ أَنْتُمْ مِنَ الْعَارِفِينَ أَنَّ الَّذِي قُتِحَ بَصَرُهُ بِنُورِ الْعِرْفَانِ يَنْقَطِعُ عَنِ الْأَمْكَانِ وَ مَا فِيهِ مِنَ الْأَكْوَانِ طُوبَى لِمَنْ تَنَوَّرَ بِأَنْوَارِ الْإِنْقِطَاعِ إِنَّهُ مِنْ أَهْلِ سَفِينِهِ الْحَمْرَاءِ» (۱۰)

«انقطاع آفتابی است که چون از افق آسمانِ نفسی بدرخشد آتش حرص و هوس در آن نفس بیفسرد. خداوند چنین شما را آگاه می سازد اگر از عارفان باشید. کسی که چشمش به نور عرفان باز شد از امکان و آنچه در اکوان است منقطع می شود... خوشا آنکه به نور وارستگی روشن گردد زیرا از اهل سفینه حمراء شمرده می شود» (ترجمه)

تمرین:

۱- آیا معنی انقطاع از این دنیا یعنی اینکه باید مثل درویش زندگی کنیم؟

۲- آیا می توان در حین تملک اشیاء منقطع نیز بود؟

۳- اگر شخصی عملاً همه اوقات زندگی را به کار خود اختصاص دهد آیا منقطع از این عالم است؟

۴- اگر شخصی به حدی کار کند که احتیاجات یومیه خود را فراهم آورد و بقیه اوقات را به بیکاری

بگذراند آیا منقطع از این عالم است؟

۵- به غیر از امور مادی می توانیم به بسیاری مسائل دیگر دلبستگی داشته باشیم موارد ذیل را بخوانید و

بگویید در هر کدام از آنان دلبستگی شخص به چیست؟

* شخصی که غمگین می شود هنگامی که خدمتی به امرالله نموده و هیچ کس آن را مورد تأیید و

تشویق قرار نمی دهد.

* شخصی که دلسرد و افسرده می شود وقتی نفوس پیام الهی را قبول نمی کنند.

* شخصی که فقط به روستای نزدیک برای تبلیغ می رود و آن هم اگر یکی از دوستان او را با ماشین

ببرد.

* شخصی که اجازه نمی دهد مردم بفهمند بهایی است اگر احساس نماید که او را نخواهند پذیرفت. -

* شخصی که همیشه پول خود را صرف گردش و تفریح نموده اما برای رفتن به کنفرانسهای امری

پول ندارد.

۶- ما می دانیم که نباید در جستجوی تحسین و تمجید دیگران برای خدمات خود به امرالله باشیم و لکن مهم است که تجربیات تبلیغی خود را با دیگران در میان گذاریم ولی باید مواظب باشیم که در مورد موفقیت‌های خود مغرور نشویم و فخر نفروشیم. ذیلاً جملاتی را که ممکن است شخصی بعد از شرکت در یک پروژه تبلیغی ابراز نماید نقل می نماییم مطالبی را که ممکن است شخصاً اظهار کنید، بدون اینکه احساس نمایید از حد فروتنی تجاوز نموده اید علامت گذارید.

- من آنقدر در پروژه های تبلیغی تجربه دارم که برایم آسان است روزانه ۱۵ الی ۲۰ مؤمن جدید را وارد امرالله نمایم.

- امروز من خانمی را ملاقات نمودم که آنچنان بصیرت روحانیش قوی بود که بعد از کمی توضیحات راجع به دیانت بهایی، امرالله را قبول نمود. بیشتر وقتی که من با وی صرف نمودم صرف تعمق در امر شد تا اینکه بخواهم او را قانع نمایم که امرالله را قبول کند.

- سارا حقیقتاً مبلغ بسیار خوبی شده است. واقعا که من خوب امرالله را به او یاد دادم.

- می دانستم که اگر با این گروه تبلیغی همراه نمی شدم این همه مؤمنین جدید نداشتند. بنابراین یک روز تعطیلی گرفته و در این برنامه تبلیغی شرکت نمودم.

- قلباً بسیار مسرور شدم وقتی دیدم که ماریو یکی از مؤمنین جدید که هفته پیش او را تسجیل نمودیم خانواده اش را تبلیغ می کند.

- بالاخره یاد گرفتم که چگونه امرالله را ابلاغ نمایم تا مردم نتوانند «نه» گویند.

- هر وقت در یک پروژه تبلیغی شرکت می نمایم حقیقتاً از قدرت تقلیب کننده کلمه الله مات و مبهوت می گردم.

- هنوز تحت تأثیر اتفاقی هستم که هفته پیش حین تبلیغ یک زوج بزرگسال پیش آمد، شوهر اظهار کرد که چند روز پیش از آمدن ما خواب دیده بود که یک نفر پیام خدا را به آنها می رساند.

۷- انقطاع از ماسوی الله آنچنان برای مبلغ امر مهم است که پیشنهاد می گردد شما جمیع نصوص در این قسمت را حفظ نمایید.

قسمت هفتم:

موقعیت دیگری که تداوم سرورمان در خدمت به امرالله کمک می کند، تمایل ما به بذل کوشش و فداکاری است. کلمه فداکاری را مکرراً در زندگی خود به کار می بریم. اگر یک دوست خوبمان در هنگام سحر مسافر باشد صبح زود بر می خیزیم تا قبل از عزیمت با او باشیم و می گوییم ما چند ساعت از

خواب خود را فدا کرده ایم. یکی از دوستان عزیزمان بیمار است ما ساعتی از وقت تفریح مورد علاقه مان خود را فدای مراقبت از او می کنیم اگر مجبور باشیم هر روز مسافت طولانی را تا مدرسه پیاده برویم می گوئیم که راحتی خود را فدا کرده ایم و اگر پول خود را برای کمک به امری مهم خرج کنیم، می گوئیم پولی را که معمولاً به خانواده مان اختصاص می دادیم فدا کرده ایم.

خدمت به امرالله نیز مستلزم فداکاری است. ما باید با صرفنظر کردن از کارهای دیگر به فعالیت‌های امری پردازیم. باید از راحتی خود چشم‌پوشیم، مقداری از دارایی خود را صرف کنیم و حتی از مقداری از برنامه‌ها و آرمانهای خود بگذریم. در هر حال باید درک نماییم که وقتی این گونه عمل می‌کنیم ما امور این جهان مادی را ترک می‌گوئیم و سرور روحانی به دست می‌آوریم و ترقی و تعالی روحانی خویش را سرعت می‌بخشیم. خدا نکند در هنگام خدمت به امرالهی احساس کنیم که به خدا لطف می‌کنیم. فرصتهایی که برای خدمت به دست می‌آوریم فضلی است از جانب خدا، و منش ما در هنگام خدمت باید حق‌شناسی خاضعانه و شکرگزاری باشد.

حضرت بهاءالله می‌فرماید:

«همتی باید تا در طلبش کوشیم و جهدی شاید تا از شهد وصلش نوشیم اگر از این جام

نوش کنیم عالمی فراموش کنیم» (۱۱)

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید:

«...پس آرام‌نگیرید راحت‌طلبید به لذاً این جهان فانی آلوده مشوید از هر قیدی آزاد

گردید. به جان و دل بکوشید که در ملکوت الهی تمکّن تام یابید کنز آسمانی به دست

آرید. روز به روز روشتر شوید و در درگاه احدیت مقربتر گردید» (۱۲)

باید متذکّر باشیم که فداکاری ردّ امری است که دارای اهمّیت کمتری هستند برای آنچه که دارای اهمّیت بیشتری می‌باشند لذا هر چند فداکاری با درد و آلم همراه است ولی در حقیقت فرح و سرور در بردارد.

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید:

«انسان تا به مقام فدا قدم نهد از هر موهبتی محروم گردد و مقام فدا مقام فنا و نیستی

است تا هستی الهی جلوه نماید و مشهد فدا میدان انقطاع است تا آیات بقا ترتیل

گردد» (۱۳)

تمرین:

۱- پسری جیش را از سنگ پُر کرده است و به شخصی بر می‌خورد که یک مُشت پُر از جواهر به او

می‌دهد او باید سنگها را بخاطر جواهرات دور بریزد. او چه چیزی را فدا می‌کند؟

۲- کشاورزی باغی از درختان کهنه دارد که دیگر میوه نمی دهند او باید درختهای کهنه را قطع کند تا به جای آنها درختان جدید بکارد. او چه چیزی را فدا می کند؟

۳- دانه در هنگام روئیدن و جوانه زدن قبول می نماید که شکافته شود. چرا خود را فدا می کند؟

۴- عبارات ذیل، موادی هستند که ممکن است شخص بگوید یا فقط به فکرش خطور کند، بعد از مطالعه هر دو جمله بگویید کدام یک را بیشتر دوست دارید؟

- من تمام روز خود را فدا کردم تا به تبلیغ بروم.
- افتخار و سرور تبلیغ، تمام روز شامل حال من شد.
- من سه ساعت از وقت درس خواندن خود را فدا می نمایم تا به جلسه ضیافت نوزده روزه بروم.
- امروز من کمی دیرتر درس می خوانم زیرا می خواهم به ضیافت نوزده روزه بروم.
- من فداکاری نموده به جای خرید یک جفت کفش اضافی، مبلغ را به صندوق می پردازم.
- من مبلغی را که برای خرید یک جفت کفش اضافی پس انداز کرده ام به صندوق تقدیم می کنم و البته به هیچ کس ذکر آن را نمی نمایم.
- امروز من آن چنان مشغول خدمات امری بودم که وقت ناهار خود را نیز فدا نمودم هر چند که خیلی گرسنه بودم، به یک قطعه نان قناعت کردم.

- آنچنان بر خدمات امری خود متمرکز بودم که با وجود گرسنگی، یک قطعه نان برایم کافی بود.

۵- تحقق اهداف مستلزم سعی و کوشش ماست. ذیلاً لیست تعدادی از اهداف جامعه بهایی درج می گردد. زیر هر هدف، فعالیت‌های مناسبی که مستلزم مقادیر متفاوتی از تلاش و کوشش است نوشته شده. برای هر هدف، مناسبترین فعالیت که منتهی به بهترین نتیجه می شود را علامت بزنید.

تربیت روحانی اطفال:

- انعقاد کنفرانس اطفال، سالی یکبار
- جمع کردن اطفال روستا به مدت نیم ساعت هر وقت یک مبلغ سیار به این نواحی بیاید.
- هر سال تعدادی از جوانان تعلیم یابند تا بتوانند به طور مرتب کلاسهای هفتگی برای اطفال گروههای سنی مختلف تشکیل دهند.

استحکام جوامع محلیه:

- ملاقات جوامع محلی سالی یک بار در اوّل رضوان به منظور مساعدت ایشان در انتخاب محفل روحانی محلی.

- تهیه کردن لیستی از وظایف محافل روحانی برای هر یک از آنان.

- همکاری با جوامع و محافل روحانیه در ترقی و پیشرفت آنان و مساعدت در مسائلی نظیر انعقاد ضیافت نوزده روزه، تشکیل کلاسهای اطفال، تأسیس صندوق محلی، و انجام نقشه های محلی تبلیغی.

تزیید معلومات گروههای کثیری از مؤمنین:

- انعقاد کنفرانسهایی هر چند ماه یک بار که در طی آن اعضای مؤسسات و دیگر دوستان با تجربه، نطق ایراد کنند.

- یاد آوری دوستان در هر موقعیتی که مطالعه آیات الهی بسیار مهم است.

- به وجود آوردن برنامه منظم برای تزیید معلومات مؤمنین جدید که شامل مطالب مناسب و استفاده از معلمین مجرب می باشد.

تسجیل مؤمنین جدید از طریق برنامه های تبلیغی فردی:

- دادن تعدادی کتب برای مطالعه به شخصی که علاقه مند به امر است.

- حقایق امر را با ذوق و شوق به فردی که علاقه مند است توضیح داده و چون تسجیل گردد او را به حال خود رها نموده تا چنانچه مایل است به مطالعاتش ادامه دهد.

- از شخصی که به امرالله علاقه نشان می دهد به خوبی شناخت پیدا می کنیم، بهترین راه ابلاغ پیام امر به او را تشخیص می دهیم، باران محبت خود را بر او نثار می کنیم، او را تقویت و مساعدت می کنیم تا پذیرش امر حضرت بهاءالله را اعلان نماید. سپس به تزیید معلومات او می پردازیم تا به مقامی فائز گردد که شخصاً جهت ابلاغ امر الهی به سایر نفوس قیام نماید.

قسمت هشتم:

ذیلاً ایده هایی برای یک نمایشنامه به نام «مثبت - منفی» درج می شود. به کمک یکی از دوستان، نقش مثبت و منفی را تمرین و در مقابل جمع اجراء کنید. فقط اکتفا به این مثالهای محدود نکنید بلکه با مشورت در گروه خود موقعیتهای دیگری را نیز به نمایشنامه بیفزایید.

مثبت: من بهایی هستم و بزرگترین خوشی من این است که به نشر نفحات الله پردازم. هر وقت تبلیغ می کنم قلبم سرشار از سرور می شود.

منفی: من بهایی هستم و حقیقتاً می خواهم تبلیغ کنم ولی وای! عجب کار سختی است! چون باید همیشه صبح زود از خواب بیدار شوم و به روستایی بروم که لجنه به من مأموریت تبلیغ داده است.

مثبت: تعلیم اطفال خیلی مهم است و من به این کار خیلی علاقه دارم. اطفالی که من در روستاهای مختلفه ملاقات می کنم خیلی استثنایی هستند و من آنها را از بهترین دوستان خود می دانم.

منفی: تعلیم اطفال خیلی مهم است ولی به نظر من کار غیر ممکن است. اطفال امروزه خیلی بد رفتار می کنند و هیچ کس نمی تواند تحملشان کند.

مثبت: من هفته ای یکبار کلاس اطفال دارم که خیلی خوب است. البته بچه های من فرشته نیستند، گاهی مشکلاتی پیش می آید و تدریس به آنها بادشواری مواجه می شود. ولی با کمک بیانات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء و با عشق و صبر همه چیز به خوبی انجام می شود. چه سعادت است وقتی می بینیم بعد از یک سال کارکردن با آنها چه پیشرفتی کرده اند.

منفی: خوب یکی از کارهایی که مجبورم بکنم تعلیم اطفال است ولی بچه ها واکنش خوبی نشان نمی دهند. با ۳۰ نفر شروع کردم بعد ۲۰ نفر شدند و الان فقط ۵ نفرند و این عده کم از کلاسهای من که فقط گاهی حوصله تشکیل آن را دارم چه یاد خواهند گرفت؟

مثبت: یک روز رفتم به ملاقات یک خانواده بهایی، تا مجله اخبار امری شان را بدهم ولی خانه نبودند با یکی از خویشاوندان آنها که قبلاً نمی شناختم ملاقات کردم و از فرصت استفاده کرده و تبلیغش نمودم و او اقبال کرد.

منفی: یک روز رفتم به ملاقات یک خانواده بهایی، تا مجله اخبار امری شان را بدهم یک نفر از خویشاوندان آنها که قبلاً او را ملاقات نکرده بودم گفت نیستند مایوس شده برگشتم.

مثبت: در این منطقه، قدری مشکل است فردی را پیدا کنی که بتوانی از نزدیک با او ملاقات نمایی. اما با پشتکار و مداومت امکان پذیر است. یک سال پیش یک کلاس تزئید معلومات، غروبهای چهارشنبه در جامعه خود تشکیل دادیم. در بدایت دو نفر شرکت نمودند اما مایوس نشدیم و هیچ افکار منفی درباره کسانی که شرکت نکردند نداشتیم. ملاقات دوستان را ادامه دادیم و مرتب مطالبی را که در کلاس مطالعه می شد با آنها در میان می گذاشتیم. در طی چند ماه گذشته ۱۰ نفر به طور مرتب در کلاس شرکت می کنند و این تعداد رو به ازدیاد است.

منفی: ببین! مردم به جلسات نمی آیند! آنها جمع نمی شوند! جمع نمی شوند!

قسمت نهم:

در قسمت های گذشته راجع به عظمت ظهور حضرت بهاءالله اندیشه نمودیم و ملاحظه کردیم که نشر نفحات الهی چقدر مهم است. ما کاملاً درک نمودیم که لذت و شوق تبلیغ در نفس تبلیغ نهفته است. برای بدست آوردن این سرور باید از آنچه متعلق به این جهان است منقطع گردیم و در انتظار تحسین دیگران و یا کسب شهرت نبوده بلکه همواره آماده هرگونه کوشش و فداکاری باشیم.

در نصوص ذیل، حضرت بهاءالله می فرمایند باید نفوس را به امرالهی هدایت نماییم و به ما اطمینان می دهند که در هنگام تبلیغ جنود الهامات الهی بر ما نازل می شود و ما را یاری می رساند. ما باید با اطمینان به تأییدات حضرت بهاءالله از هر چیزی خود را منقطع نماییم و همچون نسیم آزاد و رها شویم و نفحات ظهور الهی را در اطراف و اکناف منتشر سازیم.

پیشنهاد می شود که این بخش را با حفظ آثار مبارکه ذیل به پایان برید:

«جهد کن که شاید نفسی را به شریعه رحمن وارد نمایی این از افضل اعمال عند غنی متعال مذکور» (۱۴)

«تَاللّٰهِ الْحَقِّ مَنْ يُفْتَحِ الْيَوْمَ شَفَتَاهُ فِي ذِكْرِ اسْمِ رَبِّهِ لَيَنْزِلَ عَلَيْهِ جَنُودُ الْوَحْيِ عَنْ مَشْرِقِ اسْمِي الْحَكِيمِ الْعَلِيمِ» (۱۵)

«قسم به خدا کسی که امروز بذكرپروردگار لب بگشاید لشکرهاى وحى الهى براى او وارد مى شود.» (ترجمه)

«مَنْ أَرَادَ التَّبْلِيغَ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَنْقَطَعَ عَنِ الدُّنْيَا وَيَجْعَلَ هَمَّهُ نُصْرَةَ الْأَمْرِ فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ» (۱۶)
«کسیکه اراده تبليغ کند یايدازدنيا منقطع شود و تمام همّ خود را در همه حال صرف نصرت امر الهی نماید.» (ترجمه)

«مثل ارياح باش در امر فالقُ الاصباح، چنانچه مشاهده می نمایی که ارياح نظر به مأموریت خود بر خراب و معمور مرور می نماید نه از معمور مسرور و نه از خراب محزون و نظر به مأموریت خود داشته و دارد. احباء حق هم باید ناظر به اصل امر باشند و به تبليغ آن مشغول شوند لله بگویند و بشنوند هر نفسی اقبال نمود آن حسنه به او راجع و هر نفسی که اعراض نمود جزای آن به او واصل» (۱۷)

«قُلْ إِذْ جَاءَ النَّصْرُ، كُلُّ يَدْعُوْنَ الْإِيمَانَ وَ يَدْخُلُونَ فِي أَمْرِ اللَّهِ. طُوبَى لِلَّذِينَ هُمْ اسْتَقامُوا عَلَى الْأَمْرِ فِي تِلْكَ الْأَيَّامِ الَّتِي فِيهَا ظَهَرَتِ الْفِتْنَةُ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ» (۱۸)
«هنگام فرا رسیدن نصرت و پیروزی، همه ادعای ایمان می کنند و وارد امر الهی می شوند خوشا به حال نفوسی که در این ایام که فتنه و فساد از هر جهت ظاهر شده در امر الهی مستقیم باشند.» (ترجمه)

«أَذْكُرْنِي فِي أَرْضِي لِأَذْكُرَكَ فِي سَمَائِي لِتَقَرَّ بِه عَيْنُكَ وَ تَقَرَّ بِه عَيْنِي» (۱۹)
«در زمین من مرا یاد کن تا تو را در آسمان خود بیاد آرم تا دیده تو به ذکر من، و چشم من به ذکر تو، روشن شود.» (ترجمه)

مراجع

- ۱- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ص ۱۷۹ ش ۱۲۹ (لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، آلمان)
- ۲- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ص ۲۰۹ ش ۱۵۳
- ۳- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ص ۲۱۰ ش ۱۵۳
- ۴- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ص ۶۹ ش ۴۳
- ۵- فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء ص ۵۱ لوح هفتم (انتشارات لجنه امور احبای ایرانی امریکایی، ویلمت ۱۹۸۵) مکاتیب جلد ۳ ص ۲۲
- ۶- کلمات مکنونه فارسی شماره ۱۲
- ۷- کلمات مکنونه فارسی شماره ۱۴
- ۸- کلمات مکنونه عربی شماره ۱۵
- ۹- کلمات مکنونه فارسی شماره ۳۳
- ۱۰- حضرت بهاءالله (امرو خلق جلد ۳) ص ۳۸۹
- ۱۱- حضرت بهاءالله هفت وادی (آثار قلم اعلی جلد ۳ چاپ ایران ص ۹۸
- ۱۲- فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء ص ۸۵ (مکاتیب جلد ۳ ص ۵۶)
- ۱۳- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء (ویلمت ۱۹۷۹) ص ۷۴ ش ۳۶
- ۱۴- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ص ۲۱۸ ش ۱۶۱
- ۱۵- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ص ۱۷۹ ش ۱۲۹
- ۱۶- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ص ۲۱۵ ش ۱۵۷
- ۱۷- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ص ۲۱۸ ش ۱۶۱
- ۱۸- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ص ۲۰۵ ش ۱۵۰
- ۱۹- کلمات مکنونه عربی ش ۴۳

مباحث تزئید معلومات

هدف:

ایجاد قابلیت دیدار متناوب از منازل مؤمنین جدید و در میان نهادن بعضی از مباحث تزئید معلوماتی با آنان.

تمرین:

ملاقات چند خانواده و مطالعه حداقل ۲ مبحث اول این بخش با آنان.

قسمت اول:

وقتی مسیر خدمت را می پیمایید یکی از ساده ترین خدمات که می توانید انجام دهید ملاقات مؤمنین جدید است تا بالاتفاق معلومات خود را در زمینه تعالیم مبارکه افزایش دهید. مطالب ذیل که بر اساس تجربیات یاران الهی در مناطق مختلفه است به شما کمک خواهد کرد تا افکار خود را منظم نمایید و تصمیم بگیرید چگونه به این خدمت ارزنده قیام کنید.

فرض می کنیم که شما یک پروژه تبلیغی موفقیت آمیزی را اخیراً به اتمام رسانده اید. این پروژه به وسیله محفل روحانی محل و به کمک لجنه تبلیغی منطقه ای تنظیم شده بود و تعدادی از مبلغین با تجربه از جوامع نزدیک دعوت شده بودند تا در توسعه و تحکیم امرالله در جامعه شما کمک کنند. با وجودی که جسماً از فعالیت های مستمر چند روزه خسته اید، ولی ذهن شما کاملاً فعال است و احساس شغف و سرور می کنید. شما به طور واضح سرور ناشی از شرکت در فعالیت های گوناگون پروژه تبلیغی اخیر را، به اتفاق تعدادی از مبلغین با تجربه به خاطر دارید. ملاقات رهبران جامعه به منظور جلب دوستی و احترام آنان به امر مبارک، ملاقات مستمر دوستان در منازل آنها که در آن تمامی اعضای خانواده تبلیغ و تزئید معلومات می شوند برگزاری کلاسهای اطفال - که باعث می شد که آرزو کنید ای کاش دوباره طفل بودید و در این کلاسها شرکت می کردید - شرکت در جلسات جامعه در شبها که موجب می شد ارواح به درجات بالا و بالاتری از روحانیت واصل گردند. شرکت در کلاسهای تزئید معلومات امری که در میان مبلغان ملاقات کننده برگزار می شد و شما فرصت شرکت در آنها را داشتید و از همه جالبتر اوقاتی است که محفل روحانی شرکت کنندگان در پروژه را ملاقات نموده و هدایای مشفقانه و روشن کننده خود را مطرح نمودند.

فکری که بیش از هر چیز شما را به خود مشغول داشته آن است که چگونه این تعداد قابل ملاحظه از نفوسی که در مدت ۳۰ روز اخیر اقبال نموده اند کمک کنید تا در امر مبارک عمیق تر شوند. شما هنوز بیانات یکی از مبلغین با تجربه خود را به یاد دارید که مرتباً اهمیت بازدید از مؤمنین جدید به منظور تحکیم دوستی با آنان و کمک به آنها در تعمقشان در امرالهی را تأکید می نمود. پس از مدتی تفکر و دعا در این باره، چند خانواده را که کم و بیش می شناسید انتخاب می نمایید و تصمیم می گیرید به طور منظم به دیدارشان بروید.

اولین خانواده آقا و خانم سعادت می باشند که در شهرها و روستاهای مجاور خیلی معروف و مورد احترام اند. این خانم و آقا که حدوداً ۶۰ سال دارند از خانواده بزرگی هستند که نسلها در آن منطقه زندگی کرده اند. بچه هایشان همه بزرگ شده اند و الان به تنهایی در همسایگی شما زندگی می کنند. آقا و خانم سعادت با سواد هستند هر چند تحصیلات رسمی بالایی ندارند. آنها با اعمال و رفتارشان و خلوص نیتی که از خود نشان داده اند، احترام جامعه را به خود جلب نموده اند. البته شما کسی نیستید که مردم را براساس ثروت و مدرک تحصیلی مورد قضاوت قرار دهید و هیچ وقت به خود اجازه نمی دهید به خاطر مقام و یا

تحصیلاتان احساس برتری نمایید و یا تحت تأثیر بینش متکبرانه که دشمن سرسخت مبلّغ بهائی است قرار بگیرید. یکی از درسهای مهمی که از مبلّغین با تجربه خود در دوره این پروژه آموختید آن است که نباید به نام ساده کردن تعالیم مبارکه، از تأثیر و نفوذ آنها بکاهید و یا نباید با زبان بچگانه با بزرگسالان چه با سواد و چه بی سواد، که حکمتهای زیادی از زندگی آموخته اند صحبت نمایید. لذا با خضوع و در حالت دعا می نشینید و افکار خود را با دقّت درباره اولین مبحث تزئید معلوماتی که انتخاب کرده اید یعنی عهد و میثاق الهی منظم می نمایید. از آنجایی که این اولین جلسه شما است، ممکن است کمی هراسان و نگران باشید لذا تصمیم می گیرید مطالبی راجع به موضوع بنویسید، نه به منظور آنکه برای خانواده هایی که ملاقات می کنید بخوانید بلکه جهت قوّت و اطمینان بیشتر خودتان.

تمرین:

۱- همان گونه که از مطالب فوق درک کرده اید افکار و نگرشهای شما موقع بازدید از مؤمنین جدید، عامل مهمی در موفقیت شماست پس خوب است کمی تأمل نمایید و فکر کنید چگونه بعضی از افکارتان می تواند ملاقاتهای شما را مؤثرتر سازد. فرض نماییم شما در راه ملاقات با خانواده سعادتی می باشید. در قسمت ذیل بعضی از افکاری که ممکن است در مورد خانواده سعادتی و نحوه شرح مطالب با آنان در ذهن شما باشد ذکر می شود. نکاتی که در مساعی شما در تزئید معلومات این دوستان سهم مؤثر خواهد داشت را علامت بگذارید.

راجع به ملاقات:

- وظیفه من است که در امرالله تعلیمشان دهم و مطمئن شوم که مطالب زیادی را یاد می گیرند.
- چه افتخاری است که بتوان اوقاتی را با این خانواده عزیز صرف نمود و قسمتهایی از بیانات مبارکه را با آنها در میان گذاشت.
- می دانم که تزئید معلومات مقبلین جدید خیلی مهم است و من خوشحالم که این خدمت را انجام می دهم ولیکن امیدوارم این برنامه خیلی طول نکشد چون کارهای زیاد دیگری دارم که امروز باید انجام دهم.

- لیستی طولانی از مطالبی که باید امروز به خانواده سعادتی بگویم تهیه کرده ام و باید مطمئن شوم که نکته به نکته را به آنها گفته ام.

راجع به خانواده سعادتی:

- خانواده سعادتی خانواده خوب و خوش قلبی می باشند ولی دانش زیادی ندارند. شاید حضرت بهاءالله را قبول کرده باشند ولی از حضرت بهاءالله چه چیزی ممکن است فهمیده باشند؟
- باید خیلی مواظب باشم وقتی که با خانواده سعادتی صحبت می کنم مطلب سختی را در میان نگذارم. بیشتر مطالب امری احتمالاً برایشان خیلی سخت است، مهم آن است که محبت خود را به آنها نشان دهم در هر حال که می دانم تحصیلات کمی داشته اند.

- بیچاره آقا و خانم سعادت در این سن دیگر چه می توانند یاد بگیرند.
- هر مؤمن جدید استعداد و قابلیت جدید به جامعه می آورد چون آقا و خانم سعادت از عشق حضرت بهاءالله سرشار شوند و معلوماتشان افزایش یابد خدمات ذی قیمت بیشتر و بیشتری به جامعه خواهند نمود.

راجع به روش بحث و شرح مطالب:

- آنها بالغ هستند می توانند بخوانند. من فقط بیاناتی کوتاه در اختیارشان می گذارم که خود مطالعه کنند.

- حال باید متذکر باشم که باید بنشینم و صبورانه کلمه به کلمه مطالب را برایشان شرح دهم چون در غیر این صورت نمی توانند این مطالب عمیق و مشکل امری را بفهمند.

- خیلی مهم است که بتوانم با آنها گفتگوی دو طرفه داشته باشم. وقتی می خواهم ایده ای ارائه دهم باید چندین بار مکث کنم تا بتوانم بیانات را با هم مطالعه کنیم و راجع به هر یک مشورت کنیم.

- خوب من شروع می کنم و همه ایده های خود را بیان می کنم و در خاتمه از آنها می خواهم اگر سؤالاتی دارند مطرح کنند.

۲ - در گروههای کوچک و به کمک راهنمای گروه، راجع به اولین ملاقات خود با خانواده سعادت فکر کنید. هر عضو گروه می بایست نمایشنامه ای کوتاه بازی کند و نشان دهد چطور وارد منزل می شود و با آنها احوالپرسی می کند و چطور موضوع عهد و میثاق الهی را با آنها در میان می گذارد. اعضاء گروه باید نمایش هر یک را با در نظر گرفتن شرایط ادب، مهربانی و تواضع ارزیابی کند و بعد از اینکه هر عضو نقش خود را بازی کرد، گروه باید با هم متفق شوند و مناسبترین روش ملاقات را پیدا کنند.

قسمت دوم:

شرح کوتاه ذیل راجع به مبحث عهد و میثاق الهی شاید مانند همان بحثی باشد که شما به منظور ملاقات با مقبلین جدید تهیه نموده بودید:

خدای بی همتا و مختار خالق همه چیز است. او خالق آسمانها و زمین، کوهها، دره ها، جنگلها، مرغزارها، صحراها، رودخانه ها و دریاهاست. خداوند به همه موجودات هستی بخشیده است. او انسان را خلق نمود و در او به صورت و مثال خود تجلی فرمود.

حضرت بهاءالله به ما تعلیم فرموده اند که: حقیقت خدا قابل درک با فکر انسان نیست زیرا محدود، درک غیر محدود ننماید. نمادهایی که پیروان ادیان مختلف از خداوند دارند ثمره فکر و خیال انسان است. خدا، انسان نیست و او قوه ای نیست که در تمام عالم منتشر شده باشد. کلماتی که ما ضرورتاً برای وصف منبع هستی خودمان استفاده می نمایم مانند پدرآسمانی، قدرت ملکوتی، و روح اعظم، هر کدام یکی از اسماء و صفات او در زبان بشری است و همگی از وصف کامل ذات الهی عاجزند.

درکلمات مکنونه مطالعه کرده ایم:

«يَا ابْنَ الْإِنْسَانِ أَحَبِّتْ خَلْقَكَ فَخَلَقْتُكَ فَاحْبِبْنِي كَي أذكُرَكَ وَفِي رُوحِ الْحَيَاةِ أَتُبْنِكَ»^(۱)

«ای پسر انسان دوست داشتم آفریدنت را پس خلق نمودم تو را پس دوست بدار مرا تا

یادت کنم و در روح حیات جاودانت سازم.» (ترجمه)

بر طبق این بیانات حضرت بهاءالله محبت خداوند به ما همان علت و وجود ماست. ما باید همواره نسبت به این محبت متذکر باشیم زیرا که ما را محافظت می کند، تأیید می دهد و روح حیات می بخشد. در هنگام سختی و راحت و غم و شادی باید به یاد آوریم که محبت او مستمراً شامل حال ما است. از تعالیم مبارکه می آموزیم که چون خداوند ما را از محبت خود آفرید، با ما عهدی بست که تا ابد ادامه خواهد داشت. کلمه «عهد» یعنی پیمان و قول و قرار بین دو نفر یا بیشتر. بر طبق این میثاق ابدی خداوند بخشنده هیچ وقت ما را تنها نمی گذارد و هر از چندی به اراده خود مقصد خویش را به وسیله یکی از مظاهر خود به ما می آموزد.

فعل «ظهور» یعنی ظاهر ساختن و نشان دادن چیزی که از قبل معلوم نبوده است. مظاهر ظهور الهی وجودات مقدسی هستند که کلمات خدا را برای ما ظاهر و عیان می نمایند. آنان مربیان کلی هستند که به ما یاد می دهند چگونه طبق اراده الهی زندگی کنیم و به سعادت حقیقی فائز شویم از جمله مظاهر ظهور کریشنا، موسی، زرتشت، بودا، مسیح، محمد و البته باب و بهاءالله دو مظهر ظهور این عصر می باشند. هر پیمانی دو طرف دارد و بین دو گروه منعقد می گردد، هر طرف قول می دهد که به نحو مشخصی عمل کند. در این عهد و میثاق ابدی، خداوند همیشه نقش خود را عمل نموده است و لکن ما چگونه می توانیم مطمئن شویم که نقش خود را در این عهد و میثاق عظیم ایفا می نماییم؟ عهد و میثاق الهی از ما می خواهد تا مظهر ظهور الهی را بشناسیم و به اراده او تسلیم شویم. باید به خاطر داشته باشیم که هدف از زندگی ما، شناسایی و عبادت خداوند است. این نکته مهم در بیانات مختلفه حضرت بهاءالله آمده است. نماز صغیر بهترین مثال است:

«أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِأَنَّكَ خَلَقْتَنِي لِعِبَادَتِكَ. أَشْهَدُ فِي هَذَا الْحِينِ بِعَجْزِي وَقُوَّتِكَ وَ

ضَعْفِي وَاقْتِدَارِكَ وَفَقْرِي وَغَنَائِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمُهَيِّمُ الْقَيُّومُ»^(۲)

«گواهی می دهم ای خدای من به اینکه تو آفریدی مرا تا تو را بشناسم و به نیایش

پردازم شهادت می دهم در این هنگام بعجز خود و توانایی تو و ضعف خود و اقتدار تو

و فقر خود و بی نیازی تو، به درستی که خدایی نیست جز تو که مهیمنی و قیوم.» (ترجمه)

از آنجایی که خداوند را فقط می توانیم به وسیله مظاهر امر او بشناسیم لذا تنها با شناسایی مظهر ظهور این یوم قادر خواهیم بود به هدف زندگانی خود تحقق بخشیم کسانی از ما که موهبت شناسایی حضرت بهاءالله را یافته ایم باید شاکر و حامد باشیم که در چنین روزی که جمیع وعود الهیه در حال تحقق

یافتن است، زندگی می نمایم. باید خدا را شکر کنیم که موهبت پرارزش شناسایی حضرت بهاء الله را در زمانی که اکثریت مردم جهان از عظمت و جلال آن حضرت غافلند به ما عطا نموده است.

حضرت بهاء الله می فرمایند:

«امروز روز فضل اعظم و فیض اکبر است باید کل، به کمال اتحاد و اتفاق در ظلّ سدره

عنایت الهی ساکن و مستریح باشند.» (۳)

چقدر باعث تأسف است اگر شخصی بشارت ظهور حضرت بهاء الله را بشنود اما او را قبول نکند و بخواهد اوهام و خرافات کهنه قبل را دنبال نماید. او از جمله نفوسی است که در هر عصر آرزوی ظهور موعود را می نمودند و لکن چون ظهور فرمود قبول ننمودند و به عهد و میثاق الهی وفا نکرده، به خرافات و اوهام متمسک شدند.

پس از قبول حضرت بهاء الله ما باید در امر او استقامت نموده و اوامر او را اطاعت کنیم. ما نباید اجازه دهیم انتقادات مردم ناآگاه، ما را از صراط مستقیمی که اختیار نموده ایم دور کند. ما باید بر عهد و میثاق الهی محکم و استوار بمانیم.

حضرت بهاء الله می فرمایند:

«و بعد از عرفان حق، اعظم امور استقامت بر امر اوست. تَمَسَّكَ بِهَا وَ كُنْ مِنْ

الرَّاسِخِينَ» (۴)

اگر حیات حضرت بهاء الله را علی الخصوص هنگامی که با امتحانات و سختی ها مواجه می شویم به خاطر آوریم، حیاتی که مملو از رنجها و پیروزیهای عظیم بوده است و محبت بی حد و اندازه آن حضرت را به جمیع نوع بشر به یاد آوریم، تصمیم ما برای ثبوت در امر الهی راسختر می گردد.

بگذارید این کلمات حضرت بهاء الله در فکر و قلبمان نقش بندد:

«قَدْ قُيِّدَ جَمَالُ الْقَدَمِ لِإِطْلَاقِ الْعَالَمِ وَ حُبْسَ فِي الْحِصْنِ الْأَعْظَمِ لِعِتْقِ الْعَالَمِينَ وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ الْإِحْزَانَ لِسُرُورٍ مَنْ فِي الْإِكْوَانِ هَذَا مِنْ رَحْمَةِ رَبِّكَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. قَدْ قَبَلْنَا الذِّلَّةَ لِعِزِّكُمْ وَ الشَّدَائِدَ لِرَخَائِكُمْ يَا مَلَاءَ الْمُؤَحِّدِينَ. إِنَّ الَّذِي جَاءَ لِتَعْمِيرِ الْعَالَمِ قَدْ أَسْكَنَهُ الْمُشْرِكُونَ فِي أَخْرَابِ الْبِلَادِ» (۵)

«به تحقیق جمال قدم برای آزادی جهانیان اسیر گشت و در سجن اعظم از برای رهایی عالمیان محبوس گردید و برای خود غم ها را برگزید تا ساکنان هستی مسرور باشند این همه از رحمت پروردگار رحمن و رحیم تو است ذلت را از برای عزت شما و سختی ها را به خاطر آسایش شما ای گروه موحدین قبول نمودیم. همانا کسی را که برای اصلاح عالم آمده بود مشرکین در خراب ترین شهرها ساکن نمودند.» (ترجمه)

تمرین:

الف - بر خلاف آنچه در واحدهای قبل مطالعه کردید این قسمت حاوی قطعاتی طولانی راجع به موضوعات مختلفه است. اگر بار اول است که موضوع «عهد و میثاق الهی» را مطالعه می کنید می بایست توضیحات را قسمت به قسمت و پاراگراف به پاراگراف چندین مرتبه در گروه خود بخوانید تا بتوانید به راحتی ایده های آن را به زبان خود بیان کنید. روشهای مختلفی جهت کمک به یکدیگر در فهم این موضوع وجود دارد مثلاً می توانید دو یا سه بار موضوع را بخوانید و از یکدیگر سؤال کنید. سؤالات باید طوری طرح شود که جوابش در خود مطلب باشد. البته به خصوص فراگیری بیانات مبارکه خیلی مهم است چون ذکر بیانات مبارکه قسمت مهم مشورت و بحث شما راجع به هر موضوعی با مؤمنین جدید را تشکیل می دهد. تمرینهای ذیل به شما کمک می کند در مفهوم بیانات مبارکه فوق تأمل کنید.

- ۱- خالق همه موجودات کیست؟
- ۲- آیا چیزی هست که خداوند خلق نکرده باشد؟
- ۳- چرا خداوند عالم انسانی را خلق فرموده است؟
- ۴- معنی کلمه «عهد و میثاق» چیست؟
- ۵- چرا خداوند با انسان عهد بسته است؟
- ۶- آیا این صحیح است که بگوییم: اگر خداوند را دوست نداشته باشیم محبت او به ما نخواهد رسید؟
- ۷- آیا این صحیح است که بگوییم: اگر خداوند را دوست نداشته باشیم او هم ما را دوست نخواهد داشت؟
- ۸- آیا خداوند هیچ وقت ما را ترک خواهد نمود؟
- ۹- هدف از زندگی ما چیست؟
- ۱۰- آیا هرگز برای ما ممکن است که ذات الهی را بشناسیم؟
- ۱۱- اگر شناسایی ذات خدا امکان ندارد پس اینکه بگوییم هدف از حیات ما شناسایی خداوند است به چه معنی است؟
- ۱۲- مقصود از کلمه «ظهور» چیست؟
- ۱۳- چند مظهر ظهور الهی را نام ببرید.
- ۱۴- جملات ذیل را تکمیل کنید:
- امروز روز ----- اعظم و ----- اکبر است.
- امروز روز ----- و ----- است.
- باید کل به کمال ----- و ----- در ظلّ ----- الهی ساکن و ----- باشند.

باید ----- به ----- اتحاد و ----- در ----- سدره الهی ----- و ----- باشند.

۱۵- اگر بخواهیم به عهدی که با خدا بسته ایم وفا کنیم باید چه کار کنیم؟

۱۶- آیا درست است که بگوییم وقتی حضرت بهاءالله را قبول کردیم مظاهر ظهور قبل را رها کرده ایم؟

۱۷- چرا تأمل در مصائب جمال مبارک به ماکمک می کند در عهد و میثاق الهی ثابت بمانیم؟

۱۸- چرا حضرت بهاءالله قبول فرمودند در قید و زنجیر باشند؟

۱۹- چرا حضرت بهاءالله پذیرفتند که یک زندانی باشند؟

۲۰- چرا حضرت بهاءالله احزان را برای خود اختیار فرمودند؟

۲۱- چرا حضرت بهاءالله ذلت را قبول فرمودند؟

۲۲- چرا حضرت بهاءالله شدايد را تحمل فرمودند؟

۲۳- آیا حضرت بهاءالله چون قدرت انجام کار دیگری نداشتند قبول رنج نمودند؟

۲۴- اگر حضرت بهاءالله مقابل اعداء خود ضعیف نبودند، پس چرا رنج را بر خود پذیرفتند؟

ب - هنگامی که یکی از مباحث تزئید معلوماتی را با دوستانی که ملاقات می کنید در میان می گذارید واجب است که نکات اساسی مطلبی که می خواهید به آنها برسانید در فکر خودتان واضح باشد نکات اساسی مبحث فوق چیست؟ می توانید لیستی از این نکات تهیه کنید؟

ج - برای اینکه مقصد از صحبت‌های ما درک شود باید تسلسل منطقی در افکار خود داشته باشیم. اگر هنوز این کار را انجام نداده اید یک لیست منطقی از افکار خود تهیه و آن را به ترتیب شماره گذاری نمایید.

د - با گروه خود حکایتی از تاریخ اولیه امر و یا وقایع جدید که نشان دهنده ثبوت بر عهد و میثاق است تعریف کنید. بعضی از حکایات را می توان بصورت نمایشنامه نیز اجراء نمود.

ه - همان طور که از قبل گفته شد علاوه بر مطالب مورد بحث با مؤمنین جدید، احساسات و منشیهای شما عامل مهمی در مفید بودن دیدار شما است و به خصوص خیلی مهم است که حالت دعا و مناجات را همواره در حین مشورت دارا باشید. همین طور که با دیگران مشورت می کنید باید مرتباً به سوی خدا توجه کنید و از او بخواهید که قلب و فکر شما و سایر همراهان را روشن نماید. عبارات و جملات بسیاری در مناجات‌ها موجود است که می توانید حفظ نمایید و در ذهن خود تکرار کنید اینها فقط قسمتهای کمی هستند:

«دلها را روشن کن وچشمه‌ها را بینا نما وگوشه‌ها را شنوا فرما» (۶)

«الطاف بی پایان شامل کن. نورهدایت برافروز...» (۷)

«ابواب عرفان بگشا نورایمان تابان نما...» (۸)

«ای رَبِّ نُورٌ وَجوهَ عِبَادِكَ لِلتَّوَجُّهِ الی وَجْهِكَ...» (۹)

«پروردگارا وجوه بندگان را نورانی گردان تا بر وجه تو توجه نمایند.» (ترجمه)

«... و جبین به پرتو فیض قدیم بیارایند...» (۱۰)

قسمت سوّم:

اولین دیدار از خانواده سعادتى شما را غرق سرور نمود. همان طور که انتظار داشتید آنها مهمان نواز و علاقه مند به یادگیری بودند. احساس می کنید وقتی که صرف آمادگی خود کرده اید نتیجه بخش بوده است. شما موفق شدید افکار خود را به وضوح ارائه دهید و بحث مفیدی در مورد بیاناتی که انتخاب نموده بودید داشته باشید. در نهایت خضوع و فروتنی جواب سؤالات را می دادید و اغلب اذعان می نمودید که باید با احبای مطلع تر صحبت کنید و در بیانات مبارکه به جستجوی جواب مناسب پردازید.

واقعۀ جالب اینکه مریم یکی از نوه های خانم و آقای سعادتى که برای چند هفته به ملاقات پدر و مادر بزرگش آمده بود در جلسۀ شما شرکت داشت. نحوه مشارکت او در مذاکرات به نظر شما خیلی جالب بود. با وجودی که بیش از ۱۵ سال نداشت استعداد عجیبی در درک و فهم سریع مطالب عمیق نشان می داد استعدادی که از حد سن او فراتر بود. بنابراین شما تصمیم گرفتید به او بیشتر توجه کنید و کمکش نمایید تا با سرعتی مطابق با استعداد و علاقه اش معلومات امری خود را افزایش دهد و بسیار خوشحال شدید وقتی مریم قبول کرد که چند صفحه ای درخصوص حیات حضرت بهاءالله را مطالعه کند به کمک شما در جلسه بعد مطلب را ارائه نماید. او با خوشحالی اظهار داشت که چند تن از دوستان خود را هم به همراه خواهد آورد.

ذیلاً مختصری از حیات حضرت بهاءالله به نحوی که مریم مطالعه نموده تا برای سخنرانی جلسه بعد آماده شود نقل می گردد:

حضرت بهاءالله در تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۸۱۷ در طهران پایتخت ایران متولد شدند. از کودکی صفات فوق العاده ای داشتند و طرز رفتار ایشان، والدینشان را مطمئن ساخت که در آینده مقام عظیمی خواهند داشت. پدر حضرت بهاءالله که وزیر مشهوری در دربار شاه بودند، عشق و فیری به پسر خود داشتند. یک شب ایشان در رویا دیدند که حضرت بهاءالله در اقیانوس بزرگی شنا می کنند. جسم ایشان نورانی بود و تمامی دریا را روشن می ساخت. دور سر نورانی ایشان موهای سیاهشان بر روی آب شناور بود و گروه عظیمی ماهی هر یک تاری از موی مبارک را گرفته بودند. حتّی یک تار مو از سر ایشان جدا نشده بود. حضرت بهاءالله آزادانه و با عظمت بر روی آب شنا می نمودند و ماهیها به دنبال ایشان شناور بودند. پدر حضرت بهاءالله از شخص معبری خواست تا این رویا را تعبیر کند. آن شخص معبر گفت این اقیانوس بی حد و حصر عالم وجود است و حضرت بهاءالله فریداً و حیداً بر این دنیا سلطنت خواهند نمود. ماهیان زیاد نشانه آشوب و اضطراب است که با ظهور حضرتش بر پا خواهد شد و لکن ایشان در تحت حفظ و حمایت الهی محفوظ خواهند ماند و هیچ چیز آسیبی به ایشان نخواهد رساند.

وقتی که حضرت بهاءالله به سن ۱۴ سالگی رسیدند در دربار شاه به حکمت و علم معروف بودند در ۲۲ سالگی پدرشان صعود نمود و دولت، منصب عالی پدر را به ایشان پیشنهاد کرد و لکن حضرت بهاءالله که نمی خواستند حیات خود را صرف اداره امور مادی نمایند، شغل دربار و وزارت را قبول ننمودند

و طریقی را که خداوند برای ایشان مقدر فرموده بود برگزیدند و وقت خود را صرف کمک به فقراء و ضعفا و بیماران نمودند و به زودی به نام قهرمان عدالت و انصاف معروف خاص و عام شدند.

در سن ۲۷ سالگی حضرت بهاءالله به وسیله فرستاده خاصی بعضی از آثار حضرت باب را دریافت نمودند که در آن بشارت قرب ظهور یوم الله داده شده بود، همان روزی که مظهر ظهور جدید ظاهر خواهد شد و صلح عمومی و وحدت و عدالتی را که عالم انسانی مدت‌ها منتظر آن بوده تحقق خواهد بخشید.

حضرت بهاءالله بلافاصله پیام حضرت باب را قبول فرمودند و یکی از پیروان مشتاق آن حضرت گردیدند. متأسفانه زمامداران ایران که به وسیله هواهای نفسانی خود نابینا شده بودند، به نحوی شدید و وحشیانه به تعذیب پیروان حضرت باب پرداختند. حضرت بهاءالله که به شرافت و حُسن سیرت معروف بودند از این مصائب مستثنی نگردیدند. حدود ۸ سال پس از بعثت حضرت باب و ۲ سال پس از شهادت آن حضرت، حضرت بهاءالله اسیر سجن سیاه چال شدند. زنجیری که بر گردن آن حضرت بود آنقدر سنگین بود که قادر بر بلند نمودن سرشان نبودند. در این سجن حضرت بهاءالله ۴ ماه تحمل دشواریهای شدیدی نمودند اما در همین سیاه چال بود که روح ایشان از روح الهی آکنده شد و بر آن حضرت معلوم گردید که موعود جمیع امم می باشند. از این سجن اظلم، شمس حضرت بهاءالله اشراق فرمود تا جمیع خلائق را روشن کند. پس از ۴ ماه مسجونیت در سجن سیاه چال، تمام املاک و دارایی حضرت بهاءالله را مصادره، و ایشان را با خانواده شان تبعید نمودند. در سرمای سخت زمستان از طریق کوههای غربی ایران به سوی بغداد که یکی از شهرهای حکومت عثمانی بود و اکنون پایتخت عراق است حرکت نمودند. کلمات نمی تواند رنجهای این سفر را توصیف نماید که چگونه صدها کیلومتر را در جاده های پوشیده از برف و یخبندان پیاده راه به سوی آن سرزمین موعود طی نمودند.

شهرت مبارک به سرعت در بغداد و دیگر شهرهای آن منطقه منتشر شد و مردم دسته دسته برای کسب مواهب بدیدن این زندانی تبعید شده می آمدند. اما چند نفری هم بر اثر شهرت آن حضرت شروع به حسادت کردند. یکی از آنها برادر ناتنی آن حضرت میرزا یحیی بود که در ظلّ عنایت و محبت مبارک می زیست. میرزا یحیی که در آن ایام مورد احترام بود بنای مخالفت با حضرت بهاءالله گذاشت به خیال اینکه بایان که به او احترام زیادی می گذاشتند او را به عنوان رهبر قبول خواهند کرد، ولی نمی دانست که با روی برگرداندن از مظهر ظهور الهی تدنّی و سقوط او حتمی خواهد بود. وقتی مظهر ظهور الهی ظاهر می شود تنها نفوسی که عبودیت و بندگی او را قبول می کنند به عظمت حقیقی خواهند رسید. حتی بستگان و نزدیکان نباید فراموش کنند که آن حضرت با همه انسانها متفاوت و متمایز هستند. و هیچ کس نمی تواند در این مقام با حضرتش شریک باشد.

دسیسه های میرزا یحیی موجب اختلاف بین پیروان حضرت باب گردید و باعث حزن شدید حضرت بهاءالله شد. یک شب جمال مبارک بدون آنکه به کسی بگویند خانه را ترک فرموده و به کوههای کردستان هجرت نمودند. در آنجا عزلت اختیار فرموده به دعا و مناجات و تأمل پرداختند. در غار کوچکی

زندگی کردند و به ساده ترین غذا قناعت فرمودند. کسی ایشان را نمی شناخت و اسمشان را نمی دانست. ولکن بتدریج مردم آن منطقه درباره «شخص ناشناس» و درویش بزرگواری که علم الهی داشت سخن گفتند و چون خبر این شخص بزرگوار به پسر ارشدشان حضرت عبدالبهاء رسید، بلافاصله علامتهای پدر عزیز خود را شناختند. و رقائمی به وسیله فرستاده ای برای آن حضرت ارسال، و رجا و تمنا نمودند که به بغداد مراجعت فرمایند و ایشان قبول فرمودند و بالاخره بعد از ۲ سال به دوران پر مشقت عزلت خود خاتمه دادند.

در ایام غیبت حضرت بهاءالله اوضاع جامعه بابی به سرعت به سوی قهقرا کشیده شد. حضرت بهاءالله به محض بازگشت، در پیروان ستمدیده و سرگردان حضرت باب روح جدیدی دمیدند. با وجودی که هنوز ایشان مقام عظیم خود را اعلام ننموده بودند، قدرت کلام و حکمت حضرتشان وفاداری تعداد فزاینده ای از بابیان را برانگیخت و افراد از طبقات مختلفه مجذوب ایشان گشته و از مریدان آن حضرت شدند ولکن علمای متعصب و برادر حسود ایشان میرزا یحیی نتوانستند نفوذ عظیم حضرت بهاءالله را بر این تعداد زیاد از مردم تحمّل کنند. لذا به مسؤولین دولتی مکرراً شکایت نمودند تا اینکه حکومت ایران با برخی از مسؤولین امپراطوری عثمانی همدست شده و حضرت بهاءالله را به شهری دورتر از موطن اصلی یعنی استانبول سرگون نمودند.

آوریل ۱۸۶۳ برای مردم بغداد مملو از حزن و اندوه بود. قرار بود شخصی که به او عشق می ورزیدند شهر را به مقصد نامعلوم ترک نماید. چند روز قبل از عزیمت، حضرت بهاءالله به باغی در بیرون شهر نقل مکان فرمودند و ۱۲ روز در آن باغ خیمه زدند و تعداد زیادی از نفوس را که دسته دسته برای وداع با آن حضرت می آمدند به حضور پذیرفتند. پیروان حضرت باب با قلبی آکنده از حزن به زیارت ایشان نائل می شدند و بعضی از آن نفوس با آن حضرت در سرگونی به شهر استانبول همراه می شدند. ولکن خیلی ها باقی می ماندند و از ارتباط با حضرت بهاءالله محروم می شدند. اما اراده الهی چنان نبود که این واقعه با حزن خاتمه یابد. ابواب فضل بی متها به روی احبا گشوده شد و حضرت بهاءالله به همراهان اعلان فرمودند که ایشان موعودی هستند که حضرت باب به او بشارت داده اند یعنی مَنْ یَظْهَره الله. در این حین، حزن مبدل به سرور گردید، قلوب پرواز نمودند و ارواح به عشق حضرت بهاءالله مشتعل گشتند. این ۱۲ روز از ۲۱ آوریل تا ۲ می (اوّل تا دوازدهم اردیبهشت) به عنوان عید رضوان سالگرد اظهار امر علنی حضرت بهاءالله را بهاییان در سراسر عالم در طی قرون آینده جشن خواهند گرفت.

استانبول مرکز امپراطوری عثمانی بود. در اینجا نیز دوباره عظمت و حکمت و قوه جاذبه حضرت بهاءالله نفوس بسیاری را به سوی خود مجذوب نمود. روحانیون متعصب مسلمان کم کم زمزمه کردند که او دیگر نباید در استانبول بماند و مسؤولین دولت را قانع نمودند که جمال مبارک را به ادرنه سرگون کنند. در ادرنه حضرت بهاءالله الواحی به ملوک و سلاطین نوشتند و از آنها دعوت نمودند دست از ظلم و ستم بردارند و خود را وقف راحتی و آسایش ملت سازند. پس از آن دشمنان آن حضرت مجازاتی بسیار و

شدیدتر برای ایشان ترتیب دادند ایشان باید به همراه خانواده خود به عکا تبعید می شدند. عکا در آن زمان سخت ترین زندان در تمام امپراطوری عثمانی محسوب می شد و افراد کوتاه فکری که به گمان واهی خود می خواستند امری را که خداوند به حرکت درآورده بود متوقف سازند، گمان می کردند که نور حضرت بهاءالله در شرایط صعب طاقت فرسای این زندان خاموش خواهد شد.

رنجهای حضرت بهاءالله در عکا بیش از حد و اندازه بود. در بدایت به تنهایی در سلولی مسجون شدند که حتی فرزندان مبارک اجازه ملاقات نداشتند. دشمنان شب و روز، ایشان را احاطه نموده بودند و جمیع وسایل آسایش و راحتی مفقود بود. ولی اوضاع سجن بتدریج تغییر نمود. ساکنین عکا و مأمورین حکومت قانع شدند که حضرت بهاءالله و بهاییان بی گناه می باشند. در اینجا نیز دوباره مردم مجذوب علم و درایت و محبت آن حضرت شدند با وجودی که هنوز عظمت حقیقی آن حضرت را درک نمی کردند. پس از چند سال ابواب سجن مفتوح شد و حضرت بهاءالله آزاد شدند و به ایشان اجازه داده شد به منزلی راحت تر در آن حوالی منتقل شوند محلی که امروزه به اسم قصر بهجی معروف است. و در این محل بود که حضرت بهاءالله در ماه می ۱۸۹۲ در اوج عظمت و جلال صعود فرمودند.

حضرت بهاءالله علم صلح عمومی و وحدت عالم انسانی را بلند نمودند و کلمات الهیه را نازل فرمودند. با وجودی که دشمنان آن حضرت به جمیع قوا بر علیه ایشان قیام نمودند، آن حضرت ناصراً مظفراً بر آنان غالب شدند و وعده الهی که در سیاه چال طهران در تحت سلاسل به ایشان داده شده بود تحقق یافت. در دوره حیات ایشان، پیام حضرتشان قلوب هزاران نفوس را زنده کرد و گروهی از آنان جان خود را در راه ایشان فدا کردند. امروز تعالیم مبارک مستمراً در عالم انتشار می یابد و هیچ امری نمی تواند تحقق هدف غایی آن را که وحدت عالم انسانی در ظلّ دیانتی جهانی است مانع شود. (۱۱)

تمرین:

۱- مطلب فوق درباره حیات حضرت بهاءالله نسبتاً طولانی است و قبل از انجام تمرینها باید چندین مرتبه در گروههای خود آن را قسمت به قسمت بخوانید و از یکدیگر سؤال کنید تا مطلب را خوب بفهمید و بتوانید به زبان خود بیان نمایید.

۲- به عنوان یک بهایی تاریخ حیات حضرت بهاءالله را گاهی خلاصه و گاهی به تفصیل به حضار متعدد بیان خواهید نمود لذا ثبت وقایع مهمه حیات مبارک ایشان در ذهن و فکر شما اهمّیت بسزا خواهد داشت. در قسمت ذیل لیستی از وقایع مهمه حیات مبارک را که ذکر شد نام ببرید. البته این لیست ابتدایی خواهد بود و همین طور که اطلاعات شما از تاریخ امر زیادتیر می شود حقایق جدیدی به این لیست اضافه خواهید نمود.

۳- وقتی مطالبی مانند عهد و میثاق الهی و یا حیات حضرت بهاءالله را با مؤمنین جدید در میان می گذارید نباید انتظار داشته باشید همه نکات را دقیقاً به ذهن بسپارند و لکن بعضی نکات اساسی هستند که برای درک مبحث ضروری می باشند. و شما باید این نکات را تأکید نمایید چه نکات اساسی در مطلب فوق که شرح حیات حضرت بهاءالله است وجود دارد؟

یک مثال برای کمک به شما ذکر می شود:

حضرت بهاءالله متحمل مصائب عظیمه شدند.

۴- اینکه حضرت بهاءالله به خاطر عشق به عالم بشریت، تحمل مصائب عظیمه نمودند از مواضعی است که به عنوان فرد بهایی باید به یاد داشته و در آن تأمل کنیم. و لکن وقتی راجع به این نکته صحبت می شود باید دقت شود که حضرت بهاءالله را شخصی بیچاره و ناتوان در مقابل اعداء معرفی ننماییم بلکه باید واضح شود که جمال مبارک به اراده خود راه سرگونی و سجن را انتخاب فرمودند و برای آزادی عالم انسانی قبول سلاسل و اغلال نمودند. تاریخ حیات مبارک که مشحون از مصائب عظیمه و شدیده است در حقیقت یک انتصار واقعی به حساب می آید. بر اساس معلومات خود از حیات حضرت بهاءالله و با کمک راهنمای گروه، نطقی کوتاه از مصائب و پیروزیهای حضرت بهاءالله تهیه نمایید.

۵- یکی از صفات مهمه قیام به این خدمت، تواضع و فروتنی است. اساس هرگونه تواضع و فروتنی، تواضع و فروتنی در مقابل خدا است که موجب تواضع و فروتنی در مقابل خلق می گردد. در هیچ موقعی صفت تواضع لازمتر از وقتی که راجع به خدا و مظاهر او می خواهید صحبت به میان آورید نیست در این بیان مبارک حضرت بهاءالله تأمل نمایید و سعی کنید آنرا حفظ نمایید:

«احبای الهی در هر مجمع و محفلی که جمع شوند باید به قسمی خضوع و خشوع از هر یک در تسبیح و تقدیس الهی ظاهر شود که ذرات تراب آن محل شهادت دهند به خلوص آن جمع. و جذبه بیانات روحانیه آن انفس زکیه، ذرات آن تراب را اخذ نماید نه آنکه تراب به لسان حال ذکر نماید اَنَا أَفْضَلُ مِنْكُمْ چه که در حمل مشقات فلاحین صابرم و به کل ذی روح اعطای فیض فیاض که در من ودیعه گذارده، نموده و می نمایم

مع همه این مقامات عالیّه و ظهورات لاتحصی که جمیع مایحتاج وجود از من ظاهر است به احدی فخر ننموده و نمی نمایم و به کمال خضوع در زیر قدم کل ساکنم» (۱۲)

قسمت چهارم

مریم به طرزی فوق العاده و بهتر از آنچه انتظار داشتید حیات حضرت بهاءالله را با لحنی آکنده از حلاوت و ایمان ارائه داد. قابل مشاهده بود که خانم و آقای سعادت‌ی خیلی تحت تأثیر قرار گرفته اند و دو نفری که مریم دعوت کرده بود با وجودی که خیلی می خندیدند و شوخی می کردند اما مشخصاً به امر مبارک علاقه مند شدند. دو جلسه ای که با خانواده سعادت‌ی داشتید باعث تشویق شما شده و می خواهید این روی کرد به تحکیم مؤمنین جدید را بیشتر دنبال کنید. اکنون سؤال شما این است که این جلسات کوتاه و جالب باید در چه جهتی ادامه پیدا کند و چه مطالبی باید انتخاب شود تا آقا و خانم سعادت‌ی بیشتر در امر تمکن یافته و از اعضای فعال جامعه شده در پیشرفت امرالله در آن منطقه سهیم گردند؟ این سؤال چند روزی است که فکر شما را به خود مشغول داشته است. از یک طرف می خواهید مطالبی مانند دعا و مناجات، حیات روح و معنی حقیقی فدا را با آنان در میان گذارید تا زندگی روحانیان بر اساس متینی مستحکم شود و از طرفی دیگر می دانید چقدر مهم است که مؤمنین جدید با جامعه محصور شده و در فعالیت‌های آن شرکت کنند چون بالاخره ملاقات شما با خانواده سعادت‌ی همیشه ادامه نخواهد داشت چه که باعث می شود متکی به شما شده و نتوانند بهاییانی شوند که با ابتکار عمل خود قیام به خدمت کنند. پس با خود می گوید «هر چیز وقت خود را دارد»، و حال باید به فکر موضوع بحث دیدار دو روز بعد باشم.

به نحوی غیر منتظره جواب سؤال خود را بدست می آورید. در یک جلسه بهایی احساس می کنید تنشهایی بین دوستان وجود دارد. به نظر می آید که ابر سیاهی آسمان را گرفته و نور شادی و سرور را پنهان نموده است. علت واضح است: اختلاف که بزرگترین دشمن امرالله است در جامعه رخنه نموده است. با خود می گوید «عشق و محبت در جامعه بهایی موضوع بعدی ملاقات من با خانواده سعادت‌ی خواهد بود».

آنچنان مشتاقید دربارهٔ مضرات اختلاف با خانواده سعادت‌ی صحبت کنید که تا حدودی اصول ادب را فراموش می نمایید. بعد از احوالپرسی سریع از آقا و خانم سعادت‌ی می پرسید: «آیا می دانید چه امری بزرگترین ضرر را به امر مبارک می رساند؟» نحوه مستقیم پرسش سؤال از آنها، سبب می شود کمی جا بخورند. ولی تا به حال آنقدر به شما علاقه مند شده اند که از رفتار شما نرنجند. و پس از کمی مکث خانم سعادت‌ی با لبخند می پرسد: «ما احساس می کنیم شما قدری مضطرب هستید، سؤال شما مهم است و فکر می کنم جواب آن را می دانیم. وقتی امر مبارک را قبول کردیم دانستیم که حضرت بهاءالله آمده اند تا نوع بشر را متحد کنند. بنابراین هیچ امری بیشتر از اختلاف بین احواء، به امرالله آسیب نخواهد رساند.» لحن آرام و محبت آمیز خانم سعادت‌ی شما را به حالت سکون و آرامش بر می گرداند و با ملایمت می گوید: «از طرز صحبت‌م معذرت می خواهم چند بیان راجع به وحدت با خود آورده ام. آیا موافقید با هم مطالعه کنیم؟»

بدین ترتیب وارد بحثی خوشایند در خصوص این مبحث بی نهایت مهم می شوید. در قسمت ذیل لیستی از نکاتی که احتمالاً در بحث و مشورت خود مطرح خواهید کرد ذکر می شود:

* به منظور متحد ساختن جامعه هر فرد بهایی باید از کدورت و اختلاف احتراز کند. حضرت بهاءالله می فرمایند:

«ضریّ از برای این امر الیوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و برودت مابین احباب نبوده و نیست اجتنبوا بقدره الله و سلطانیه ثمّ اَلْفُوا بَیْنَ الْقُلُوبِ بِاسْمِهِ الْمُؤَلَّفِ الْعَلِیمِ الْحَکِیمِ» (۱۳)

«... با قدرتی الهی از فساد و نزاع دوری کنید و قلبها را به نام خداوند الفت دهنده علیم و حکیم با یکدیگر الفت دهید.» (ترجمه)

* باید احباء را دوست بداریم و این عمل را فقط به خاطر عشق به خداوند باید انجام دهیم. حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

«با یکدیگر در نهایت اتحاد باشید. ابدأً از یکدیگر مکدر نشوید... خلق را از برای خدا دوست دارید نه برای خود، چون برای خدا دوست می دارید هیچ وقت مکدر نمی شوید زیرا انسان کامل نیست لابد هر انسانی نقصی دارد. اگر نظر به نفوس نمایید همیشه مکدر می شوید اما اگر نظر به خدا نمایید چون عالم حق عالم کمال است رحمت صرف است لذا برای او همه را دوست می دارید به همه مهربانی می کنید» (۱۴)

* و اگر سعی خود را کردیم ولی هواهای نفسانی غلبه نمود و اختلاف واقع شد این بیان حضرت بهاءالله، در این لحظات ضعف، به ما کمک خواهد کرد:

«انْ ظَهَرَتْ كُدُورُهُ بَيْنَكُمْ فَانْظُرُونِي اَمَامَ وَجُوهِكُمْ وَغَضُّوا الْبَصَرَ عَمَّا ظَهَرَ خَالِصاً لَوَجْهِی وَحُبّاً لِامْرِی الْمَشْرِقِ الْمُنِيرِ» (۱۶)

«اگر کدورتی در میان شما ظاهر شود مرا در مقابل خود به نظر آرید و خالصانه به خاطر روی من و محبت امر الهی از آنچه ظاهر شد چشم بپوشید.» (ترجمه)

* انضباط روحانی خطاپوشی و دیدن صفات خوب و احتراز از غیبت، مؤثرترین وسیله برای اجتناب از اختلاف است. به یاد آوریم که معمولاً ما اشتباهات نفوسی را که دوستشان داریم، نمی بینیم و هیچ مشکلی در اغماض خطایای آنان نداریم. حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

«چشم خطابین نظر به خطا کند اما نظر خطاپوش به خالق نفوس بنگرد چه که جمیع را او خلق کرده کل را او می پروراند رزق می دهد جمیع را روح و روان مبذول می فرماید. چشم و گوش عطا می کند لهذا کل آیات قدرت او هستند باید جمیع را

دوست داشت به جمیع مهربانی کرد. فقراء را رعایت نمود ضعفا را حمایت کرد مریضان را شفا بخشید نادانان را تعلیم و تربیت نمود.» (۱۷)

حضرت بهاءالله می فرمایند:

«ای رفیق عرشی بد مشنو و بدمبین و خود را ذلیل مکن و عویل برمیاری یعنی بد مگو تا نشنوی و عیب مردم را بزرگ مدان تا عیب تو را بزرگ ننماید و ذلت نفسی مپسند تا ذلت تو چهره نگشاید. پس با دل پاک و قلب طاهر و صدر مقدس و خاطر منزّه، در ایام عمر خود که اقل از آنی محسوب است فارغ باش تا به فراغت از این جسد فانی به فردوس معانی راجع شوی و در ملکوت باقی مقرر یابی» (۱۸)

* اتحاد البته منحصر به عدم کدورت و اختلاف نیست و همچنین عشق آن نیست که فقط با زبان بیان شود. ما فقط وقتی می توانیم ادعا کنیم که جامعه ای متحد داریم که محبتمان به یکدیگر، به خدمت مبدل گردد و فعالیت های ما توأم با روح همکاری و تعاون متقابل باشد.

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

«باری کائنات عمومیه عالم، هر یک منفرداً زندگانی می توانند. هر شجری منفرداً نشو و نما نماید بدون اینکه از سایر اشجار مستفید شود. همچنین حیوان منفرداً زندگانی تواند و لکن انسان ممکن نیست. نوع انسان محتاج تعاون و تعاضد است محتاج مراوده و اختلاط است تا کسب سعادت و آسایش کند و راحت و آرایش یابد» (۱۹)

* مهمترین کلید موفقیت در فعالیت های گروهی جامعه، مشورت صریح و محبت آمیز در جمیع امور است. در مشورت، دیدگاه های مختلف ما نسبت به یک مطلب در یک نقطه جمع می شود و مناسبترین طریقه برای پیاده نمودن برنامه های دسته جمعی را می یابیم. با مشورت به وحدت نظر می رسیم و با افکار و آراء متحد، نقشه های جالب و بدیعی جهت پیشرفت جامعه طرح می نماییم.

حضرت عبدالبهاء میفرمایند:

«... اعضاء در حین ورود توجه به ملکوت اعلی کنند و طلب تأیید از افق ابهی و در نهایت خلوص و وقار و سکون و آداب در انجمن قرار یابند و به نهایت ادب و ملایمت کلام و اهمّیت خطاب به بیان آراء پردازند. در هر مسأله ای تحرّی حقیقت کنند نه اصرار در رأی، زیرا اصرار و عناد در رأی منجر به منازعه و مخاصمه گردد و حقیقت مستور ماند ولی اعضای محترمه باید به نهایت آزادگی، بیان رأی خویش نمایند و ابداً جایز نه که نفسی تزییف رای دیگری نماید بلکه به کمال ملایمت بیان حقیقت کند و چون اختلاف آراء حاصل شود رجوع به اکثریت آراء کنند و کل، اکثریت را مطیع و منقاد گردند» (۲۰)

* وحدت در فکر متحقق نمی شود اگر مبدل به وحدت در عمل نشود. عمل کردن با وحدت به این معنی نیست که همه یک کار را انجام دهیم. بر عکس، وقتی جامعه نقشه ای را با توجه به وحدت در عمل طرح می کند باعث می شود از استعدادات مختلفه هر فرد در جامعه به بهترین وجه استفاده شود. قوت ما مضاعف می شود و حتی یک جامعه کوچک می تواند به موفقیتهایی برسد که اکثر مؤسسات قدرتمند عالم، قادر به احراز آن نیستند.

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

«عالم انسانی احتیاج عظیم به همکاری متقابل دارد. هرچه رابطه دوستی و همبستگی

قویتر باشد قدرت سازندگی و اجراء در زمینه های متعدد اقدامات بشری عظیم تر خواهد

بود» (۲۱) (ترجمه)

تمرین:

الف - پس از اینکه با دقت مطالب فوق را نکته به نکته چندین مرتبه در گروه خود مطالعه نمودید جملات ذیل را تکمیل کنید تا به شما کمک کند در معانی بیانات مبارکه تأمل نمایید.

۱- جملات ذیل را تکمیل کنید:

- ضرری از برای این امر الیوم اعظم از ----- و نزاع و جدال و کدورت و برودت ما بین احباب نبوده و نیست.

- ضرری از برای این امر الیوم اعظم از فساد و ----- و جدال و کدورت و برودت ما بین احباب نبوده و نیست.

- ضرری از برای این امر الیوم اعظم از فساد و نزاع و ----- و کدورت و برودت ما بین احباب نبوده و نیست.

- ضرری از برای این امر الیوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و ----- و برودت ما بین احباب نبوده و نیست.

- ضرری از برای این امر الیوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و ----- مابین احباب نبوده و نیست.

- ضرری از برای این امر الیوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و برودت مابین ----- نبوده و نیست.

- ضرری از برای ----- الیوم اعظم از فساد و نزاع و جدال و کدورت و برودت ما بین احباب نبوده و نیست.

۲- لیستی از کارهایی که می تواند از اختلاف در جامعه پیش گیری نماید تهیه کنید. -----

۳- چطور می توانیم مطمئن باشیم که همیشه مردم را دوست بداریم و به آنها مهربان هستیم؟

- ۴- در بیان دوم حضرت عبدالبهاء می فرمایند:
- با یکدیگر در نهایت ----- باشید.
 - ابداً از یکدیگر ----- نشوید.
 - خلق را از برای ----- دوست دارید نه برای -----.
 - چون برای ----- دوست می دارید هیچ وقت ----- نمی شوید.
 - انسان ----- نیست لابد هر انسانی ----- دارد.
 - اگر نظر به ----- نمایید همیشه ----- می شوید.
 - اما اگر نظر به ----- نمایید برای او همه را ----- می دارید به همه ----- می کنید.

- ۵- در بیان سوم حضرت عبدالبهاء می فرمایند:
- از شما ----- هر کدام افکار و قلب خود را در ----- و ----- متمرکز کنید.
 - فکر ----- را با فکر قویتر ----- مقاومت کنید.
 - فکر ----- را با فکر قویتر ----- مقابله نمایید.
 - فکر جنگ ----- و ----- و ----- و ----- را زائل می کند.
 - فکر عشق ----- و ----- و ----- و ----- را بنیان نماید.
- ۶- اگر اختلافی بین شما و دیگر اعضاء جامعه ایجاد شود چه باید بکنید؟

۷- چه انضباط روحانی می تواند به شما در برقراری وحدت در جامعه کمک کند؟ توضیح دهید:

- ۸- کدامیک از اعمال زیر مطابق با تعالیم حضرت بهاء الله است؟
- | بله | خیر |
|--|-----------------------|
| ☐ | ☐ |
| - نظر به قصور دیگران. | |
| ☐ | ☐ |
| - چشم پوشی از خطایای دیگران. | |
| ☐ | ☐ |
| - مطلع نمودن محفل روحانی از خطایای دیگران. | |
| ☐ | ☐ |
| - صحبت درباره قصور دیگران نزد یک دوست. | |
| ☐ | ☐ |
| - تغییر وقایع یا غلو نمودن به منظور بد جلوه دادن فردی. | |
| ☐ | ☐ |
| - تفکر در مورد اشتباهات دیگران. | |

۹- چرا از اشتباهات بعضی ها انتقاد می کنیم ولکن از بعضی دیگر که همان اشتباه را انجام می دهند

انتقاد نمی کنیم؟

۱۰- آیا ممکن است میان افرادی که از یکدیگر غیبت می کنند وحدت به وجود آید؟ چرا نه؟

۱۱- اگر عمداً درباره فردی دروغ بگوییم بدیهی است که مرتکب اشتباه شده ایم. ولی صحیح است اگر

در خصوص یک نفر به خاطر کاری که واقعاً انجام داده نزد کسی دیگر انتقاد کنیم؟

۱۲- شایعه پراکنی چه تأثیری در ترقی روحانی افرادی که این عمل را انجام می دهند دارد؟

۱۳- فرق بین غیبت و شایعه پراکنی و انتقاد چیست؟

۱۴- چگونه می توانیم این عاداتها را از زندگی خود محو نماییم؟

۱۵- اگر شخصی شروع کند درباره اشتباهات دیگران نزد ما سخن بگوید چه می توان کرد؟

۱۶- وقتی می دانیم یک شخص بهایی کار اشتباهی را انجام می دهد، مثلاً دروغ می گوید و یا

دزدی می کند آیا باید سکوت کنیم حتی اگر بدانیم که این عمل او باعث رنجش دیگران هم می شود؟ اگر

سکوت نکنیم پس چه می توانیم بکنیم؟

۱۷- چه تأثیری غیبت و شایعه پراکنی در جامعه بهایی دارد؟

۱۸- چه می شود اگر راجع به مردم طوری صحبت کنیم مثل اینکه آنها حضور دارند؟

۱۹- اگر در مقابل بچه ها راجع به عیوب دیگران صحبت کنیم چه تأثیری بر آنها خواهد گذاشت؟

۲۰- چرا فکر می کنید ما این تمایل را داریم که راجع به دیگران غیبت کنیم؟

۲۱- محبت فقط با زبان اظهار نمی شود، به چه چیز دیگر احتیاج دارد؟

۲۲- مهمترین کلید موفقیت در فعالیتهای جمعی یک جامعه چیست؟

۲۳- برخی از دشمنان عمده موفقیت در فعالیتهای جمعی جامعه را نام ببرید:

۲۴- این جملات را از بیانات مبارکه فوق راجع به مشورت تکمیل کنید:

اعضاء در حین ورود توجه کنند و طلب تأیید از و در نهایت

و و و در انجمن قرار یابند و به نهایت و

و به باین آراء پردازند. در هر مسأله ای کنند نه در رأی زیرا

و در رأی منجر به و گردد و حقیقت ماند ولی

اعضای محترمه باید به نهایت آزادگی نمایند و ابداً جایز نه که نفسی

دیگری نماید بلکه به کمال و چون اختلاف آراء حاصل شود کنند و

کل اکثریت را و گردند.

ب - لیستی از فعالیتهای امری احباء که با روح همکاری می توانند انجام دهند، تهیه نمایید.

ج - لیستی از اسامی دوستان بهایی خود در جامعه تهیه کنید و فکر کنید چگونه می توانید به هر یک

در خدمات امری آنها کمک کنید:

قسمت پنجم:

موضوع مطالعه در ملاقات بعدی با خانواده سعادت‌ی ضمن مشورت و صحبت در موضوع وحدت جامعه برایتان معلوم شد. خصوصاً وقتی راجع به وحدت در جامعه بهایی صحبت می کردید خانم سعادت‌ی که علاقه شدیدی به این موضوع نشان می دادند اشاره کردند که برای ایجاد وحدت هر چه بیشتر در جامعه، بهاییان باید اغلب یکدیگر را ملاقات کنند و با هم به دعا و مناجات و زیارت آثار مبارکه پردازند و آقای سعادت‌ی اظهار نمودند که اتحاد فقط این نیست که از مصاحبت با یکدیگر لذت ببریم بلکه مستلزم آن است که با هم به کار و سازندگی بپردازیم و اضافه نمودند پروژه های جامعه هزینه دارد و من نمی دانم چرا تا حال کسی به ما نگفته است که باید به امر تبرّع کنیم. درست است که ما خیلی پولدار نیستیم و لکن قبلاً صدقه و تبرّع می دادیم و اشکالی در قبول تبرّعات ناچیز ما وجود نداشت. با در نظر گرفتن این مطالب، تصمیم گرفتید خود را برای مطلب ضیافت نوزده روزه و تبرّعات آماده کنید و در حقیقت چون مریم تا چند هفته دیگر نزد پدر و مادر بزرگش خواهد بود از او پرسیدید آیا مایل است مطالبی راجع به تبرّعات در جلسه بعد بیان کند او هم با اشتیاق قبول نمود و شما به او کمک کردید تا نطقی تهیّه کند.

بعد از اینکه همه حاضران آماده گشتند رو به جمع کرده و می گوید آنچه خانم سعادت‌ی راجع به جلسات فرمودند خیلی مهم است و با اجازه شما می خواهم مطالبی راجع به جلسات بهایی مخصوصاً ضیافت نوزده روزه مطرح کنم و همچنین راجع به مسأله ای که جناب سعادت‌ی در مورد تبرّعات اشاره فرمودند. از مریم خواهش نموده ام که مطالبی تهیّه کند تا همه به دقت به آن مطالب گوش داده و سپس مشورت کنیم. پس از آن شما مطالب خود را راجع به جلسات بهایی با استناد به بیانات مبارکه مطرح نموده و به گروه کوچک خود کمک می کنید تا در معنی این بیانات بحث و مشورت نمایند. در این قسمت بعضی از نکاتی که شما در تهیّه مطالب خود در نظر خواهید گرفت ذکر می شود:

* در جامعه بهایی اغلب احباء به علل مختلف دور هم و با دیگران جمع می شوند، جهت دعا و مناجات، مطالعه امر مبارک، تبلیغ، برگزاری ایّام متبرکه، مشورت درباره امور جامعه، طرح نقشه ها و پروژه ها، انجام نقشه ها و پروژه ها و مشورت راجع به آنچه از فعالیت های دسته جمعی خود یاد گرفته اند و اینکه چگونه می توانند آن را بهتر نمایند. البته گاهی هم یاران صرفاً با محبت و هماهنگی دور هم جمع می شوند که با هم باشند و از حضور هم لذت ببرند. آنچه مهم است که به خاطر داشته باشیم آن است که در همه حال جلسات بهایی در اصل خود جلساتی روحانی هستند و لذا مملو از تأثیر و قوه روحانی می باشند. حضرت بهاء الله می فرمایند:

«قسم به اسم اعظم در هر محلی که دوستان جمع شوند و به تمجید حق پردازند ارواح

مخلصین و ملائکه مقربین طواف خواهند نمود.» (۲۲)

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

«هر محفلی که جهت وحدت و یگانگی تشکیل شود اغیار را یار نماید و اعداء را مونس

و همدم سازد و عبدالبهاء به دل و جان در آن جمع حاضر» (۳۲) (ترجمه)

* تشکیل این جلسات روحانی هر قدر کوچک باشد، تأییدات لانهایه ای شامل حال خانه های

بهایان می نماید. حضرت عبدالبهاء خطاب به یکی از احباء می فرمایند:

«از قرار مسموع شما را نیت چنان که خانه خویش را گاهی به اجتماع بهایان مزین

نمایید تا بعضی به تمجید ربّ مجید پردازند.... این قدر بدان که اگر چنین بنمایی آن

خانه ترابی آسمانی گردد و آن هیکل سنگی محفل رحمانی شود» (۲۴)

* قرائت قسمتهایی از بیانات مبارکه در اجتماع احباء منبع شادی و سرور است و برای پیشرفت امر

لازم و ضروری است. حضرت بهاءالله تأکید می فرمایند:

«باید اولیاء در هر دیار به حکمت و بیان در محافل و مجالس جمع شوند و آیات الهی را

قرائت نمایند چه که آیات، محدث نار محبت است و مشعل آن» (۲۵)

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

«محافل تشکیل دهید و تعالیم الهیه قرائت و تلاوت کنید تا آن مدینه بنور حقیقت روشن

شود و آن کشور به قوه روح القدس فردوس برین گردد زیرا این دور، دور ربّ جلیل

است و آهنگ وحدت و یگانگی عالم انسانی باید به گوش شرق و غرب رسد» (۲۶) (ترجمه)

* مذاکرات احباء در جلسات بهایی باید حصر در امور روحانیه و ترویج امرالله شود. حضرت عبداله

می فرمایند:

«الیوم تکلیف جمیع این است که جمیع اذکار را فراموش نمایند و هر واقعه ای را نسیان

کنند... یعنی جمیع فکر و ذکر را حصر در تبلیغ امرالله و ترویج دین الله و تشویق

برصفات حق و تحریص بر محبت خلق و تنزیه در جمیع شوون و تقدیس باطن و ظاهر و

پاکی و آزادگی و اشتعال و انجذاب نمایند» (۲۷)

* از بین تمام جلسات امری، ضیافت نوزده روزه که هر ۱۹ روز یک بار تشکیل می شود دارای

اهمیت خاصی است. تقویم بهایی ۱۹ ماه دارد که هر ماه ۱۹ روز است و حضرت بهاءالله به همه امر

فرموده اند که این جلسه ماهیانه را تشکیل دهند. چنانچه می فرمایند:

«قَدَرْتُمْ عَلَيْكُمْ الضِّيَافَةَ فِي كُلِّ شَهْرٍ مَرَّةً وَاحِدَةً وَكُلُّوْا بِالْمَاءِ إِنَّ اللَّهَ أَرَادَ أَنْ يُؤَلِّفَ بَيْنَ الْقُلُوبِ

وَلَوْ بِأَسْبَابِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ» (۲۸)

«نوشته شد بر شما که هر ماه یکبار ضیافتی برپا دارید حتی اگر پذیرائی آن آب باشد. همانا

خداوند اراده فرموده که قلوب را پیوند دهد حتی اگر با اسباب آسمان و زمین باشد.» (ترجمه)

* ضیافت نوزده روزه شامل سه قسمت می باشد. قسمت اول، قسمت روحانی است در این قسمت دعا و مناجات تلاوت می شود و گزیده هایی از آیات الهی قرائت می گردد. قسمت دوم، قسمت اداری است در این قسمت احباء در امور جامعه مشورت می کنند. قسمت سوم، قسمت اجتماعی است در این قسمت ملاقات دوستان و الفت و پذیرایی صورت می گیرد.

* با زیارت بیانات ذیل از حضرت عبدالبهاء به اهمّیت قسمت روحانی ضیافت نوزده روزه پی می بریم:

«ای بندگان صادق جمال قدم، در هر کور و دوری ضیافت مقبول و محبوب و تمديد مائده به جهت احبای الهی ممدوح و محمود، علی الخصوص در این دور عظیم و کور کریم که نهایت ستایش را دارد زیرا از محافل ذکرالله و مجالس پرستش حق فی الحقیقه شمرده می شود چه که در مجالس ضیافت آیات الهیه تلاوت می گردد و قصائد و محامد و نعوت الهیه خوانده می شود و نفوس در نهایت انجذاب مبعوث می گردد» (۲۹)

* در قسمت اداری ضیافت، احباء اخبار فعالیت های جامعه های بهایی دور و نزدیک را می شنوند، راجع به امور مختلفه امری در جامعه خود مشورت می کنند، در مورد پیشرفت امور جامعه تأمل می کنند، با هدایت های واصله از بیت العدل اعظم آشنا می شوند و به محفل روحانی محلی پیشنهادات خود را ارائه می دهند تا رسیدگی نمایند یا به محفل مقدس ملی ارسال دارند یا در صورت لزوم حتی به بیت العدل اعظم الهی تقدیم کنند. مشورت در ضیافت نوزده روزه بسیار مهم است زیرا بدین وسیله هر فرد در فعالیت های جامعه جهانی بهایی شرکت می کند.

* اما قسمت اجتماعی ضیافت، وقت ملاقات و الفت و محبت و مهمان نوازی است و می توان از موسیقی و نطق های کوتاه که باعث ایجاد شور و هیجان شود استفاده نمود. اطفال هم می توانند برنامه هایی اجراء کنند و نیز از برنامه های کوتاه فرهنگی شاد مناسب و باوقار که موجب روح و ریحان این قسمت ضیافت شود می توان استفاده نمود.

* ضیافت نوزده روزه جزئی ممتاز از نظم اداری بهایی است که قسمت های روحانی و اداری و اجتماعی حیات جامعه را با هم جمع می کند. برای موفقیت ضیافت لازم است به همه این قسمت ها به طور مساوی اهمّیت داده شود و توازن بین این سه قسمت در نظر گرفته شود.

* بیت العدل اعظم الهی در پیام مورخ آگست ۱۹۸۹ خطاب به پیروان حضرت بهاءالله در سراسر عالم می فرماید:

«نظم جهانی حضرت بهاءالله جمیع واحدهای جامعه بشری را در بر می گیرد. فرایند های روحانی، اداری و اجتماعی زندگانی را با یکدیگر تلفیق می بخشد و مجهودات متنوعه بشری را به سوی ایجاد تمدنی جدید هدایت می کند. ضیافت نوزده روزه حائز جمیع این جنبه ها در سطح پایه و قاعده جامعه است و تأسیسی است که در هر روستا و قصبه

و شهری که اهل بهاء در آن سکونت دارند فعالیت دارد و مقصود از ضیافت نوزده روزه

ترویج وحدت و تأمین پیشرفت و ایجاد فرح و سرور است.» (۳۰)

* رویداد مهمی چون ضیافت نوزده روزه را نمی توان با عجله برگزار کرد. هر فرد بهایی باید خود را از لحاظ روحانی برای حضور در ضیافت آماده نماید و در طول جلسه با قلب و فکر خود در جلسه شرکت جوید چه وقتی که قسمت روحانی را اجراء می کند و یا تنها به شرح فقراتی از آثار مبارکه گوش می دهد، چه در هنگام طرح گزارشها، دریافت هدایتها و ارائه پیشنهاد ها چه به عنوان میزبان جلسه یا هنگامی که مورد پذیرایی و مهمان نوازی دیگران قرار می گیرد و لذت می برد.

بیت العدل اعظم در همان پیام درباره ضیافت نوزده روزه می فرمایند:

جنبه های مهم تهیه مقدمات ضیافت نوزده روزه شامل انتخاب الواح و آثار مناسب برای قسمت روحانی، تعیین قبلی مجریان مناسب برنامه و در نظر گرفتن افرادی است که بتوانند مناجاتها و آثار مبارکه را بخوبی و درستی تلاوت کنند. رعایت ادب و احترام چه در نحوه تلاوت و زیارت آثار مبارکه و چه در نحوه استماع آثار مزبور، مراعات نظافت و آراستگی محیطی که در آن ضیافت نوزده روزه تشکیل می شود در ایجاد روح و ریحان در بین احباء حائز اهمیت مخصوص است، خواه ضیافت نوزده روزه در داخل ساختمان برگزار شود و خواه خارج از آن. وقت شناسی در اجرای برنامه نیز از مسائلی است که رعایت آن در ترتیب دادن ضیافت لازم است.

موفقیت ضیافت نوزده روزه تا میزان زیادی منوط و موکول به کیفیت آماده کردن و تهیه مقدمات و مشارکت جستن افراد در ضیافت است. حضرت عبدالبهاء چنین راهنمایی و توصیه می فرمایند: «مجالس نوزده روزه را بسیار اهمیت دهید تا یاران الهی و اماء الرحمن توجه به ملکوت نمایند و به ترتیل مناجات پردازند و طلب تأیید کنند و منجذب به محبت یکدیگر گردند و بر تنزیه و تقدیس و تقوی و مقاومت نفس و هوی بیفزایند از عالم عنصری مجرد شوند و در احساسات روحانی مستغرق گردند.» (۳۱)

تمرین:

۱- مثل همیشه قسمتهای فوق را چندین مرتبه در گروه خود بخوانید و راجع به آنها بحث کنید تا بتوانید به زبان خود تعریف کنید. تمرین ذیل به شما کمک می کند که در معانی دقیق بیانات مبارکه فوق تأمل کنید:

الف - هر محلی که دوستان در آن جمع شوند و به تمجید حق پردازند دارای چه مشخصاتی خواهد

بود؟

ب - چند نمونه از تأثیرات جلساتی را که به نیت وحدت و اتحاد تشکیل می شوند، بنویسید.

ج - حضرت عبدالبهاء می فرمایند: خانه ای که هر از گاهی دوستان برای «تمجید ربّ مجید» در آن جمع شوند «خانه آسمانی» می گردد. عبارت «خانه آسمانی» چه تصویری در ذهن شما مجسم می سازد؟

د - وقتی در جلسه ای دور هم جمع می شویم می بایست:

و ----- جمع شویم.

----- قرائت کنیم.

جمع اذکار را ----- و هر واقعه ای را ----- کنیم.

یعنی جمع فکر و ذکر را حصر در ----- و ترویج ----- و تشویق بر ----- و

تحریر بر ----- و ----- در جمع شوون و ----- باطن و ظاهر و -----

و ----- و ----- و ----- نماییم.

ه - در تقویم بهایی چند ماه وجود دارد؟

و - در هر ماه بیانی چند روز وجود دارد؟

ز - چه اجتماع مهمی در هر ماه بیانی تشکیل می شود؟

ح - سه قسمت ضیافت نوزده روزه را نام ببرید.

ط - آیا سه قسمت ضیافت به ترتیب خاصی اجراء می گردد؟

ی - هدف از قسمت روحانی ضیافت چیست؟

ک - هدف از قسمت اداری ضیافت چیست؟

ل - هدف از قسمت اجتماعی ضیافت چیست؟

م - کدام یک از مواضع ذیل، مناسب است که در قسمت اداری ضیافت مورد مشورت قرار گیرد:

بله خیر

☐ ☐

- پیشرفت امور طرح های تبلیغی محلی

☐ ☐

- احتیاجات صندوق خیریه

☐ ☐

- اهداف مسابقه تیم ملی فوتبال

☐ ☐

- حل اختلاف بین دو عضو جامعه بهایی

☐ ☐

- برنامه تنظیمی برای اعضاء جامعه جهت نظافت حظیره القدس

☐ ☐

- اهداف مهاجرتی که محفل مقدس ملی تعیین نموده است.

☐ ☐

- تعلیم و تربیت اطفال جامعه بهایی

☐ ☐

- تعلیم و تربیت تمام اطفال شهر و یا روستا

- توضیح قسمتی از بیاناتی که یکی از اعضاء جامعه در هفته قبل مطالعه

☐ ☐

نموده و درک نکرده است.

۲- درباره این سؤال در گروه خود مشورت کنید: چرا توازن در سه قسمت ضیافت خیلی مهم است؟

۳ - سؤالات ذیل را مورد مذاکره قرار دهید:

الف - چگونه خود را برای ضیافتی که میزبان آن هستید آماده می کنید؟

ب - چگونه خود را برای ضیافتی که در آن فقط شرکت می کنید آماده می کنید؟

۴ - بنابراین چه گذشت شما موضوع مشورت را بر مبنای مطالبی که آقا و خانم سعادت در جلسه قبل بیان

کردند انتخاب نمودید و بدین ترتیب یکی از مهمترین صفات مبلغ بهایی را ظاهر نمودید و برای همراهان

خود مستمع خوبی بودید. حقایق موجود در بیانات مبارکه را که مناسب با احتیاج و علاقه آنان است

استخراج نمودید. اکنون، بعضی از صفات روحانی شخصی که مستمع خوبی است و به احتیاجات دیگران

اهمیت می دهد را ذکر کنید.

قسمت ششم:

بحث مطوّل و عمیق شما راجع به جلسات امری و ضیافت نوزده روزه، وقت کمی برای صحبت در مورد تبرعات باقی گذاشت. مریم که خیلی از مطالب ارائه شده به شوق آمده بود پیشنهاد نمود موضوع خود را به جلسه بعد موکول کند چون چند روز دیگر در منزل پدر بزرگ و مادر بزرگش اقامت دارد و این خیال شما را راحت کرد و فرصتی به شما داد که یک بار دیگر راجع به مطالبی که او در نظر داشت ارائه کند، مطالعه نمایید.

مدنیتی که ما بهایان در ساختن آن می کوشیم از نظر مادی و معنوی خیلی با شکوه و سعادت مند خواهد بود. ثروت وقتی قبول است که مطابق شروطی باشد. ثروت باید از طریق کار درست و حلال کسب شود و صرف بهبود امور انسانی شود و تمام جامعه ترقی و تعالی یابد نه اینکه تعداد خیلی از مردم خیلی غنی باشند و اکثریت حتی احتیاجات روزانه زندگی را نداشته باشند.

به منظور ساختن جامعه ای خالی از بی عدالتی و فقر همه باید کریم و بخشنده باشیم. هر چقدر که فقیر باشیم باید مقداری برای پیشرفت نوع بشر تبرّع کنیم زیرا رفاه و آسایش واقعی از طریق بخشش و عطا حاصل می شود. بخشش، صفت روح انسانی است و ارتباطی به درجه فقر و غنا ندارد. حضرت بهاءالله در کلمات مکنونه می فرمایند:

«الْكَرَمُ وَالْجُودُ مِنَ خِصَالِي فَهَيِّنَا لِمَنْ تَزَيْنَ بِخِصَالِي» (۳۲)

«بخشش و عطا از صفات من است خوشا به حال کسیکه بصفات من مزین شود.» (ترجمه)

باید به یاد آریم که منبع هر ثروتی که ممکن است ما به دست آوریم خداوند بخشنده است. او ضرورت های حیات را به ما ارزانی می دارد و امکان پیشرفت ما را فراهم می سازد، این است که هنگامی که تبرّع می کنیم در حقیقت قسمتی از آنچه را که او به ما عطا کرده برای امرش خرج می کنیم. لهذا پرداخت تبرعات به امرالله تنها سخاوت نیست بلکه فیضی روحانی و مسؤولیت مهم فردی است. حضرت ولی امرالله فرموده اند که ما باید مثل چشمه آبی باشیم که مرتباً خود را از آنچه که دارد خالی می کند و باز از منبعی نامریی پُر می شود.

صندوق های خیریه مختلفی موجود است که هر کدام امور امری را در سطوح مختلف یاری می کنند. بنابراین ما صندوق محلی و ملی و قاره ای و بین المللی داریم. فقط بهایان می توانند به این صندوقها تبرّع کنند و این امر موهبتی برای هر فرد بهائی محسوب می شود. تبرّع به صندوق های خیریه، امری شخصی است به این معنی که این موضوعی بین فرد و مؤسسات امری به حساب می آید. تبرّع یاران به جامعه اعلان نمی شود و همچنین بعضی از عادات مرسوم در ادیان دیگر که برای پرداخت تبرعات بر پیروانشان فشار وارد می آورند، در دیانت بهائی وجود ندارد. مؤسسات درخواست عمومی از احبا می نمایند و از اهمیت تبرعات آگاهشان می سازند و درباره احتیاجات صندوق های خیریه با آنان مشورت می کنند.

در بسیاری مراتب، جامعه برای تبرّعات خود هدف تعیین می کند و لکن مبالغ هرگز برای افراد مشخص نمی شود و پولی در خواست نمی گردد بلکه احباء باید خود بر اساس تشخیصی که از اهداف هر یک از صندوقهای مختلفه دارند میزان تبرّعات خویش را تعیین نمایند.

اگر کسی هرگز به ما نگوید چقدر باید تبرّع کنیم، ممکن است از خود بپرسیم، پس از کجا باید بدانیم که چقدر از ما انتظار می رود؟ چطور بدانیم که خداوند از نحوه پرداخت ما راضی است یا خیر؟ جواب این سؤال در عبارت «سرفداکاری» است. در دیانت بهایی اگر یک سکه از طرف شخصی کم بضاعت تبرّع شود به اندازه مبلغ هنگفتی که از طرف شخص ثروتمندی تبرّع شود با ارزش است. چیزی که ارزش تبرّع را تعیین می کند میزان فداکاری و از خود گذشتگی است. البته هیچ کس نمی تواند درباره درجه فداکاری دیگری قضاوت کند ولی در تعیین میزان تبرّعات، هر یک از ما باید قلباً ناظر به کیفیت فداکاری باشیم.

وقتی در راه امر گذشت و فداکاری می کنیم باید متذکّر باشیم که به خدا نفعی نمی رسانیم و حق به ما نیاز ندارد. تبرّعاتی که به امر می کنیم برای ساختن دنیایی بهتر است و این یکی از راههای انجام مسئولیت نسبت به جامعه است. گذشت و فداکاری یعنی فداکردن امور ناچیز برای اهداف بهتر، فداکاری دردآور است ولی درحقیقت شادی و فرح و سرور حقیقی می دهد. حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

«سرّ فدا این است که انسان هستی خود را فدای آستان الهی نماید. مقام خداوندی

رحمت است، مهربانی است، عفو و اغماض است، از خود گذشتگی است، فضل و

بخشش و دمیدن حیات به ارواح و افروختن نارمحبت الله در قلوب و رگهاست» (۳۳) (ترجمه)

تمرین:

۱- برای کمک به مریم در تهیه نقش راجع به تبرّعات، شما تسلسل برخی افکار را به او ارائه داده اید تا در تهیه مطلب خود به آن توجه کند. لطفاً تسلسل افکار در موضوع فوق را بنویسید.

۲- با کمک سر پرست گروه خود نطقی کوتاه با عنوان «بخشش اساس روحانی سعادت و رفاه» آماده کنید.

قسمت هفتم

دیدار مستمر از مؤمنین جدید در خانه هایشان برای شما موجب سرور بسیار بوده است. البته همه خانواده ها مانند خانواده سعادت به مباحثهای تزئید معلوماتی علاقه نشان نداده اند. در حقیقت یکی از

خانواده ها صریحاً به شما اظهار نموده اند که اقبالشان به امر خیلی سریع انجام گرفته و می خواهند که آنها را تنها بگذارید. دو یا سه نفر از این مؤمنین جدید نیز قبل از اینکه شما فرصتی پیدا کنید که آنها را خوب بشناسید منطقه را ترک نموده اند، با این همه، موفق شده اید در جهت تعمیق و تزئید معلومات به تعدادی از افراد کمک کنید و به چشم خود ناظر نتایج جالب فعالیتهای تبلیغی سیستماتیک بوده اید.

نتایج اقدامات، شما را تشویق نمود تصمیم بگیرید اقدام مهم دیگری کنید و به مؤمنین جدید کمک نمایید که کمتر متکی به ملاقاتهای شما باشند. از خود می پرسید: آیا وقت آن نیست که جلسات منظم هفتگی تشکیل شود و این تازه تصدیقان با احبای قدیمی تر آشنا شوند و با هم بیانات مبارکه را مطالعه کنند؟ زیرا تا این یاران ارتباط مستقیم با بیانات مبارکه نداشته باشند و با جامعه ممزوج نشوند هیچ وقت نخواهند توانست راه خدمت را به تنهایی طی نمایند و چون با تعدادی از خانواده ها مشورت می نمایید آنها نظر شما را تأیید می کنند و خانم سعادت با اشتیاق می گوید: بله وقت آن رسیده که به پیش رویم و جلسه اول را در منزل ما تشکیل خواهیم داد.

در روز معین، هفت نفر در منزل آقای سعادت جمع می شوند. شما از تعداد کم حاضرین، کمی نا امید می شوید ولی چون مشورتهای خود درباره جلسات بهایی را به یاد می آورید اطمینان می یابید که چون جلسات در فضای روحانیت حقیقی تشکیل شود افراد دیگر نیز جلب خواهند شد. ولی چطور می توانید مطمئن شوید که چنین فضای روحانی به وجود آمده و ادامه خواهد یافت؟ در ملاقاتهای مقبلین جدید در منازلشان در واقع مذاکرات بین شما و دو یا سه نفر دیگر دور می زد و می توانستید به راحتی جهت مذاکرات را اداره کنید. اما در این جلسات باید به شرکت کنندگان اجازه دهید بدون ملاحظه زیاد شما با یکدیگر تعامل یابند. ولی در عین حال متوجه هستید که بالاخره یک نفر باید مشورتهای را اداره کند تا بی نظمی و اغتشاش به وجود نیاید. باز به خود می گوئید: باید ایمان داشته باشیم که امور به خوبی پیش خواهد رفت. با عمل کردن یاد خواهیم گرفت و تا وقتی که مشورت ما بر مبنای بیانات مبارکه است حتماً به هدف خواهیم رسید.

تمام بیاناتی که در این قسمت انتخاب کرده اید همه راجع به تبلیغ است و امیدوارید که در انتهای قسمت اول هر یک از همراهان تصمیم قاطعی در مورد قیام به تبلیغ اتخاذ نماید. مثل همیشه با دقت بیانات را بر طبق تسلسلی از افکار منطقی انتخاب نموده اید تا مطمئن شوید همه همراهان به عمق مطلب پی خواهند برد. موضوع تبلیغ بسیار وسیع است و در این قسمت بیش از چند نکته مهم که باعث تشویق و ترغیب دوستان می شود ذکر نخواهید نمود. البته می دانید در اداره بحث باید انعطاف پذیر باشید زیرا شور و شوق دوستان ممکن است شما را از ادامه تسلسل در افکاری که انتخاب کرده اید دور کند:

* هدف از تبلیغ این است که قلوب مردم را با کلید بیان به سوی حضرت بهاءالله باز نماییم. حضرت بهاءالله می فرماید:

«بَلْ أَرَادَ لِنَفْسِهِ مَدَائِنَ الْقُلُوبِ لِيُطَهِّرَهُمْ عَنْ دَسِّ الْأَرْضِ وَيُقَرِّبَهُمْ إِلَى مَقَرِّ الَّذِي كَانَ عَنْ مَسِّ الْمُشْرِكِينَ مُحْفُوظًا أَنْ افْتَحُوا يَا قَوْمَ مَدَائِنَ الْقُلُوبِ بِمَفَاتِيحِ الْبَيَانِ وَكَذَلِكَ نَزَّلْنَا لِأَمْرِ عَلَى قَدَرٍ مَقْدُورًا» (۳۴)

«خداوند مدائن قلوب را از برای خود خواسته است تا آنها را از آلودگیهای زمینی پاک سازد و به مقامی که از دسترس مشرکین به دور است نزدیک گرداند. همانا ای قوم مدائن قلوب را با کلیدهای بیان فتح کنید اینچنین امر را به قدر مقدور بر شما نازل نمودیم.» (ترجمه)

* اعظم قوه در این دنیا قوه کلمه الله است. در تبلیغ، قوه خلاقه کلمه الله در روح شنونده نفوذ کرده و شخص را منقلب می نماید حضرت بهاءالله می فرمایند:

«كُلَّمَا يَخْرُجُ مِنْ فَمِهِ إِنَّهُ لَمُحِبِّي الْأَبْدَانِ لَوْ أَنْتُمْ مِنَ الْعَارِفِينَ» (۳۵)

«هر آنچه که از دهان او جاری می شود همانا او حیات بخش کالدهاست اگر شما از عارفین باشید.» (ترجمه)

* تبلیغ وظیفه مقدسی است که از طرف حضرت بهاءالله بر همه مؤمنین فرض شده است حضرت بهاءالله می فرمایند:

«قَدْ كَتَبَ اللَّهُ لِكُلِّ نَفْسٍ تَبْلِغَ أَمْرِهِ وَ الَّذِي أَرَادَ مَا أُمِرَ بِهِ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَتَّصِفَ بِالصِّفَاتِ الْحَسَنَةِ أَوَّلًا ثُمَّ يُبَلِّغَ النَّاسَ لِيَتَجَذَّبَ بِقَوْلِهِ قُلُوبُ الْمُقْبِلِينَ وَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ لَا يُؤَثِّرُ ذِكْرُهُ فِي أَفْنَدَةِ الْعِبَادِ» (۳۶)

«بتحقیق خداوند تبلیغ امرش را بر هر نفسی واجب نمود و کسی که اراده کرد به آنچه که مأمور است قیام نماید شایسته اوست که ابتدا به صفات حسنه متصف شود و سپس به تبلیغ ناس پردازند تا قلبهای مقبلین از گفتار او منجذب شود چه در غیر این صورت ذکر او در قلوب عباد اثر نبخشد» (ترجمه)

«انتظار من از این محفل آن است که ببینیم از نار محبت الله چون شمع افروخته و چون پروانه بال و پر سوخته از شدت عشق و انجذاب مانند ابرگریان و چون چمن خندان و چون نهال از نسائم جنت ابهی خرم و شادان» (۳۷) (ترجمه)

* مبلغ امرالله مانند نسیمی است که پیام حضرت بهاءالله را به هر سو منتشر می سازد. حضرت بهاءالله می فرمایند:

«مثل اریاح باش در امر فالق الاصباح، چنانچه مشاهده می نمایی که اریاح نظر به مأموریت خود بر خراب و معمور مرور می نماید. نه از معمور مسرور و نه از خراب

محزون و نظر به مأموریت خود داشته و دارد. احباء حق هم باید ناظر به اصل امر باشند و به تبلیغ آن مشغول شوند لله بگویند و بشنوند. هر نفسی اقبال نمود آن حسنه به او راجع و هر نفسی که اعراض نمود جزای آن به او واصل» (۳۸)

* شخص مبلّغ در حالی که از قدرت عشق سرشار است با نیرویی خستگی ناپذیر در سبیل الهی می کوشد حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

«چون رحمت الهی را به منظور تقویت خود مسألت نمایی قوّت تو، ده برابر شود، به این عبد نظر کن چقدر ضعیف هستم ولکن این قوّت به من عنایت شده است که در جمع شما حاضر شوم. بنده ای هستم مستمند و حقیر که توانسته است این پیام را به شما برساند. من مدّت زیادی با شما نخواهم بود. نباید ابداً به ضعف خود ناظر باشید. این قوّه محبّت روح القدس است که نیروی تبلیغ عطا می کند. چون به ضعف و ناتوانی خود ناظر باشیم ناامید و مأیوس گردیم. باید افکار ما عالی تر از امور دنیوی باشد و از امور جاریه منقطع شده آرزوی امور روحانی نماییم. نظر به رحمت بی پایان حیّ قدیر کنیم که روح ما را از شوق خدمت به فرمان او که به یکدیگر مهربان باشید شاد و مستبشر

می سازد» (۳۹) (ترجمه)

* همگی ما باید با جرات و اطمینان قلب به تبلیغ امرالله قیام نماییم درنگ نکنیم و شک و تردید به خود راه ندهیم. حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

«پس زبان بگشایید و به کمال شجاعت در هر محفلی صحبت بدارید. در وقت خطاب، اوّل توجه به بهاءالله نمایید و تأییدات روح القدس بخواهید و زبان بگشایید و آنچه بر قلب شما القاء می شود بیان نمایید ولی در نهایت شجاعت و متانت و وقار. امیدوارم که محافل شما روز به روز اتّسع یابد و طالبان حقیقت استماع دلیل و برهان نمایند. و من به دل و جان در هر محفل با شما هستم مطمئن باشید.» (۴۰)

و حضرت ولی امرالله می فرمایند:

«مبلّغ بهایی باید در نهایت اطمینان باشد. قوّت و رمز موفّقیت او در اطمینان اوست. فریداً و حیداً هر قدر عدم توجه اطرافیان زیاد باشد باید ایمان داشته باشید که جنود ملکوت با شما هستند و نصرت می نمایند تا بر لشکر ظلمات که به مقاومت امرالله قیام نموده اند غالب شوید پس استقامت کنید، و مسرور و مطمئن باشید» (۴۱)

تمرین:

۱- شرکت در جلسات به منظور مطالعه و مشورت پیرامون آثار مبارکه، به همراه سایر دوستان همیشه قسمت مهمی از زندگی شما به عنوان یک فرد بهایی خواهد بود. به اتّفاق اعضاء گروه خود جلسه ای

تشکیل دهید و موضوع تبلیغ را بر اساس نصوص و مطالب فوق مورد مشورت قرار دهید. در اینجا بعضی از نظریات و افکار مهم را که در نتیجه مشاورات به دست آورده اید ذکر کنید.

۲- یکی از نتایج این جلسات این است که همراهان تصمیمات محکمی راجع به فعالیتهای آینده خود در میداين خدمت اتخاذ می نمایند. تصمیماتی را که همراهان گروه شما گرفته اند در قسمت ذیل بنویسید.

مراجع

- ۱- حضرت بهاء الله ، کلمات مکنونه عربی ، شماره ۴
- ۲- حضرت بهاء الله ، نماز صغیر
- ۳- حضرت بهاء الله ، منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله ، شماره ۴ ص ۱۲
- ۴- حضرت بهاء الله ، منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله ، شماره ۱۳۴ ص ۱۸۶
- ۵- حضرت بهاء الله ، منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله ، شماره ۴۵ ص ۷۱
- ۶- حضرت عبدالبهاء ، مجموعه مناجاتها (آلمان ۱۹۹۲) ص ۲۳۵
- ۷- حضرت عبدالبهاء ، مجموعه مناجاتها (آلمان ۱۹۹۲) ص ۵۳
- ۸- حضرت عبدالبهاء ، مجموعه مناجاتها (آلمان ۱۹۹۲) ص ۲۳۵
- ۹- حضرت بهاء الله مناجات ، ص ۶۹
- ۱۰- حضرت عبدالبهاء ، مناجات
- ۱۱- اقتباس از کتاب نیوگاردن (New Garden)
- ۱۲- حضرت بهاء الله ، منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله ، شماره ۵ ص ۱۳
- ۱۳- حضرت بهاء الله ، منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله ، شماره ۴۵ ص ۱۴
- ۱۴- حضرت عبدالبهاء مجموعه خطابات حضرت عبدالبهاء (آلمان ۱۹۸۴) ص ۵۸
- ۱۵- حضرت عبدالبهاء خطابه مبارک درپاریس
- ۱۶- حضرت بهاء الله ، منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله ، شماره ۱۴۶ ص ۲۰۲
- ۱۷- حضرت عبدالبهاء مجموعه خطابات حضرت عبدالبهاء ص ۵۹
- ۱۸- حضرت بهاء الله کلمات مکنونه فارسی شماره ۴۴
- ۱۹- حضرت عبدالبهاء مجموعه خطابات حضرت عبدالبهاء ص ۵۹
- ۲۰- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۴۵ ص ۸۵ (مکاتیب جلد ۳ ص ۵۰۸-۵۰۷)
- ۲۱- حضرت عبدالبهاء خطابه مبارک
- ۲۲- حضرت بهاء الله در مجموعه جلسات امری تنظیمی بیت العدل اعظم الهی به زبان انگلیسی ص ۳
- ۲۳- الواح حضرت عبدالبهاء
- ۲۴- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۵۷ ص ۹۱
- ۲۵- حضرت بهاء الله درمجموعه جلسات امری تنظیمی بیت العدل اعظم الهی به زبان انگلیسی ص ۳
- ۲۶- الواح حضرت عبدالبهاء
- ۲۷- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۵۴ ص ۹۰
- ۲۸- حضرت بهاء الله کتاب مستطاب اقدس آیه ۵۷ ص ۵۴
- ۲۹- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء شماره ۴۸ ص ۸۷

- ۳۰- بیت العدل اعظم الهی مورخ ۲۷ آگست ۱۹۸۹
 - ۳۱- بیت العدل اعظم الهی مورخ ۲۷ آگست ۱۹۸۹
 - ۳۲- حضرت بهاءالله کلمات مکنونه فارسی شماره ۴۹
 - ۳۳- الواح حضرت عبدالبهاء
 - ۳۴- حضرت بهاءالله ، منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ، شماره ۱۳۹ ص ۱۹۵
 - ۳۵- حضرت بهاءالله ، منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ، شماره ۷۴ ص ۹۶
 - ۳۶- حضرت بهاءالله ، منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ، شماره ۱۵۸ ص ۲۱۵
 - ۳۷- الواح حضرت عبدالبهاء
 - ۳۸- حضرت بهاءالله ، منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ، شماره ۱۶۱ ص ۲۱۸
 - ۳۹- خطابات حضرت عبدالبهاء درپاریس
 - ۴۰- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد اول شماره ۲۱۶ ص ۲۵۹
- توقیع از طرف حضرت ولی امرالله

معرفی اعتقادات اهل بهاء

هدف:

کسب توانایی برای معرفی عقاید بهایی در حین مذاکره

قسمت اول:

شما می دانید همانطور که در سبیل خدمت به امر الهی پیشرفت حاصل می کنید از اینکه می توانید کلمات حضرت بهاء الله را با دیگران در میان گذارید سرور بی اندازه ای به دست خواهید آورد. فرصت انتشار جواهر بی مثل علم و حکمت مُنزله در آثار حضرت بهاء الله به طرق مختلفه به وجود می آید. ممکن است در منزل خود جمعی را تشکیل دهید و دوستان خود را از تعلیم بهایی آگاه سازید ممکن است یک سخنرانی درباره امر بهایی در یکی از انجمنهای محلی ایراد نمایید و یا ممکن است در طرحهای تبلیغی در مناطق دور و نزدیک مشارکت جویند و یا از مؤمنین جدید دیدن کنید و برخی از آثار مبارکه را با آنان مطالعه نمایید و چنانچه به تعلیم و تربیت اطفال علاقه مند باشید می توانید کلاسهای ترتیب دهید و به ایشان کمک نمایید تا زندگی خود را براساس تعلیم حضرت بهاء الله بنا سازند.

بسیاری از فرصتهای تبلیغی در حین مذاکرات روزانه با دوستان به وجود می آید. در حینی که در مواضع مختلفه صحبت می کنید می توانید نظریات خود را که از آثار بهایی سرچشمه گرفته با آنان در میان گذارید و به آنان کمک نمایید در پرتو تعلیم حضرت بهاء الله بینش یابند. نحوه معرفی عقاید بهایی در مذاکرات نباید غیرطبیعی یا تحمیلی باشد. در برخی موارد می توانید بینش و دیدگاه خود را مطرح کنید بدون اینکه اسمی از دیانت بهایی به میان آورید. در اکثر موارد می توانید عقاید خود را با بیان اینکه «حضرت بهاء الله به ما تعلیم داده اند که...» و یا «حضرت عبدالهء فرموده اند...» مطرح کنید. و در این گونه موارد ملزم نیستید توضیح دهید که حضرت بهاء الله چه شخصی می باشند و یا دیانت بهایی چه می گوید. اگر افکار خود را آزادانه بیان نمایید و سرچشمه عقاید خود را به نحوی طبیعی ذکر کنید، فرصت معرفی امر به طور مستقیم زودتر از آنچه تصوّر می نمودید به وجود خواهد آمد.

مطالبی که در این بخش نقل می شود هر چند نصوص مبارکه نیستند، ولی بر اساس خطابات و الواح حضرت عبدالهء می باشند و بسیاری از جملات مبارک در آن استفاده گردیده است. شما باید این مطالب را بارها بخوانید و مطالب آنرا بیاموزید و تمرین کنید تا همان عقاید را با کلمات خود بیان نمایید و امید است که بتوانید تعلیم مبارکه را دقیقاً و براساس بیانات حضرت بهاء الله و حضرت عبدالهء و حضرت شوقی افندی به دیگران توضیح دهید.

باید به خاطر داشته باشید، مطالبی را که در این بخش مطالعه خواهید نمود جایگزین حفظ کلمه خلاقه الهیه که قوه مخصوصه دارد و جاذب قلوب است نخواهد شد. بنابراین باید بتوانید قسمتهایی از آثار مبارکه را در حین تبلیغ نقل نمایید. ولی زیاده روی در نقل بیانات مبارکه ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد. مانند بسیاری دیگر از جوانب حیات بهایی، رعایت اعتدال کاملاً ضروری است. باید ضمن اینکه مطالب را با کلمات خود توضیح می دهید، برخی آثار مبارکه را نیز نقل نمایید. به منظور ایجاد این اعتدال باید وقت و نیروی بسیار صرف نمایید و آثار مبارکه را مطالعه کنید و اجازه دهید تا به افکار و احساسات شما شکل دهند.

تمرین:

۱- در همه مکالمات، این فرصت به شما دست نمی دهد تا تعالیم حضرت بهاءالله را با دیگران در میان گذارید. در حقیقت اکثر مطالبی که مردم درباره آن صحبت می کنند بیهوده و یا حتی مضر است. البته این بدان معنی نیست که همه مکالمات باید متمرکز بر مواضع سنگین باشد. بعضی از مکالمات باید امیدوار کننده باشند. باید از صحبت های بیهوده خودداری کرد و سعی نمود مطالبی که در مکالمات با دوستان گفته می شود باعث ارتقاء روح و عقل باشد. راجع به صحبت هایی که در چند هفته گذشته با دوستانتان داشتید فکر کنید. کدامیک باعث ارتقاء روح و عقل شما شد و در کدام توانستید تعالیم امر را معرفی کنید لطفاً آن صحبت ها را ذکر کنید.

قسمت دوم:

قبل از مطالعه این فصل، ضروری است که درباره مقام و موقف حضرت عبدالبهاء در دور بهایی بیندیشید و تأمل نمایید. البته در موارد دیگر راجع به حیات حضرت عبدالبهاء مطالعه خواهید نمود و از حکمت های بی متتهای بیانات ایشان بهره مند خواهید شد.

حضرت عبدالبهاء شخصیتی بی مثل در تاریخ بشر هستند و هیچ یک از ادیان گذشته از موهبت داشتن این چنین شخصیتی برخوردار نبوده است. فضل و عنایت حضرت بهاءالله که جامعه بهایی را پس از صعود در ظل حمایت غصن اعظم، حضرت عبدالبهاء قرار داده قابل وصف نیست. حضرت بهاءالله نه تنها ظهور مبارک خود را به عالمیان ارزانی داشته اند بلکه فرزند خود را نیز تقدیم نموده اند که با علم و حکمت وی عالم انسانی منور خواهد شد. مشکل بتوان حتی ذره ای از عظمت این ظهور را بدون آگاهی از مقام فرید حضرت عبدالبهاء درک نمود.

اولاً: حضرت عبدالبهاء مرکز عهد و پیمان حضرت بهاءالله می باشند. قوه میثاق، جامعه بهایی را متحد ساخته از تعدی دشمنان و تفرقه و انقسام حفظ خواهد نمود. قوه میثاق است که ضامن فتح و ظفر محتوم است.

اساساً پیمانی که حضرت بهاءالله با پیروان خود بسته اند لازمه اش این است که قلب های خود را به مرکز عهد متوجه ساخته و به آن وفادار باشیم. حضرت عبدالبهاء مرکز عهد الهی هستند و طبق الواح مبارکه وصایا بعد از آن حضرت، شوقی افندی ولی امر و مرکزی هستند که باید به ایشان توجه نماییم. الیوم مرکز عهد، بیت العدل اعظم است که بنا به دستورات صریحه حضرت بهاءالله و تعلیمات واضح حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امر الله تشکیل گشته است.

ثانیاً: حضرت عبدالبهاء مبین مصون از خطای حضرت بهاءالله می باشند. ظهور حضرت بهاءالله و آثار منزله چنان وسیع است و معانی مکنونه در هر یک از بیانات نازله چنان عمیق که حضرتشان لازم دانستند

بعد از خود مبینی جهت این آثار به جا گذارند و ایشان را الهام فرمایند. و بدین ترتیب نسلهای آینده بشر می توانند تعالیم مبارکه حضرت بهاءالله را از طریق تبیینات حضرت عبدالبهاء در الواح و خطب عدیده ادراک نمایند و بعد از حضرت عبدالبهاء، شوقی افندی مبین آیات الله بوده و با صعودشان وظیفه تبیین تا پایان دور حضرت بهاءالله خاتمه یافت.

همچنین باید بدانیم که با تعیین مبین آیات، حضرت بهاءالله فضل عظیمی شامل جامعه بهایی نمودند. در گذشته، هر یک از ادیان به مذاهب متعدد منقسم شدند زیرا از داشتن مرکزی که یاران بتوانند در حین اختلاف نظر درباره معانی کلمات منزله در کتب مقدسه بدان مراجعه نمایند محروم بودند. ولی در این ظهور چنانچه معنی و مفهوم بیانات حضرت بهاءالله برای یاران روشن نباشد به تبیینات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله مراجعه می نمایند و چنانچه مطلب واضح نگردد به بیت العدل اعظم توجه می کنند و بدین ترتیب فرصتی برای اختلاف در تعالیم مبارکه باقی نمی ماند و وحدت امر الهی محفوظ می گردد.

ثالثاً: حضرت عبدالبهاء مَثَلِ اعلاّی تعالیم مبارکه پدر بزرگوارشان می باشند. هر چند ما هیچ گاه نمی توانیم به آن مرحله از کمال واصل شویم ولی باید همیشه آن حضرت را مورد نظر داشته و سعی کنیم در اثر اقدام حضرتشان مشی نماییم. وقتی در آثار مبارکه درباره عشق و محبت می خوانیم به حضرت عبدالبهاء توجه نموده و منبع عشق و مهربانی را مشاهده می نماییم. وقتی درباره تنزیه و تقدیس، عدالت و انصاف، راستی و صداقت، فرح و سرور، جود و سخاوت می خوانیم به حضرتش توجه نموده و این صفات را که به حد کمال در زندگی آن حضرت تجلی نموده ملاحظه می نماییم.

اما اساس حیات مبارک، عبودیت است. می دانید که لقب «عبدالبهاء» به معنی بنده و عبد بهاء است و لقبی است که حضرتشان بر جمیع القاب دیگر ترجیح داده اند. بیان ذیل از حضرت عبدالبهاء نشانه آرزوی مبارک به خدمت است و چنانچه این بیان را حفظ نمایید هادی و راهنمای شما در سبیل خدمت خواهد بود.

«نام من عبدالبهاست. صفت من عبدالبهاست. حقیقت من عبدالبهاست. نعمت من عبدالبهاست. رقیّت به جمال قدم اکیلل جلیل و تاج وهاج من است و خدمت به نوع انسان آیین قدیم من... نه اسمی دارد نه لقبی نه ذکری نه نعتی جز عبدالبهاء این است آرزوی من. این است اعظم آمال من. این است حیات ابدی من. این است عزّت سرمدی

من» (۱)

همانطور که قبلاً ذکر شد مطالبی که در قسمتهای ذیل مطالعه خواهید کرد عین بیانات مبارکه نمی باشد ولی براساس الواح و خطابات حضرت عبدالبهاء هستند و چون در تبلیغ تجربه یافتید مایل خواهید بود ذهن و فکر خود را از بیانات حضرتش مملو ساخته و نحوه شرح مطالب را فرا گیرید و بدون شک می خواهید قسمتهایی از خطابات و الواح مبارک را حفظ نمایید. امید است قسمت ذیل در این خصوص به شما کمک نماید.

قسمت سوم:

مطالعه مطلب اول که معمولاً در مذاکرات به شما کمک می کند در خصوص «لزوم مربی» است: وقتی همه جنبه های زندگی را در نظر می گیریم متوجه نیاز مبرم به مربی می شویم. اگر انسان را تنها در جنگل رها کنید راه حیوانات را می پیماید ولی اگر تربیت شود می تواند به اعلی درجات رسد، اگر مربی نباشد تمدن هم نخواهد بود.

تربیت سه نوع است: جسمانی، انسانی و روحانی. تربیت جسمانی مربوط به ترقی جسم است. تربیت انسانی مربوط به مدنیت و پیشرفت است، مربوط به حکومت است، مربوط به نظام است، مربوط به کارهای اجتماعی و تجارت و هنر و صنایع و علوم و اکتشافات و اختراعات علمی است. تربیت روحانی اکتساب کمالات الهی است. این تربیت حقیقی است. چون بدین وسیله روح انسان که طبیعت مافوق وجود انسانی است ترقی می کند.

عالم انسانی برای پیشرفت احتیاج به مربی دارد. مربی کسی است که تسلط کامل و بصیرت روشن راجع به تربیت جسمانی و انسانی و روحانی داشته باشد. اگر شخصی بگوید من از نظر فکری کامل هستم و احتیاج به مربی ندارم، بدان معنی است که چیزی را که واضح و عیان است انکار می کند. مثل آن است که طفلی بگوید من احتیاج به تعلیم ندارم، همانطوری که عقل و فهم به من حکم می کند انجام می دهم و خودم به کمال خواهم رسید.

عالم انسانی همیشه و در همه حال احتیاج به مربی کامل دارد. کسی که بتواند از جنبه تغذیه و سلامت جسم، او را راهنمایی کند. کسی که بتواند کمک نماید تا در علوم و اختراعات و اکتشافات پیشرفت کند و از همه مهمتر روح حیات حقیقی را در هیکل بی جان عالم بدمد. هیچ انسان عادی نمی تواند این اهداف مهم اساسی را محقق سازد. فقط مظاهر ظهور الهیه می توانند این وظیفه را انجام دهند. آنها نفوسی منتخبی هستند که خداوند در ازمنه مختلفه به عنوان مربیان عمومی بشر می فرستد.

تمرین:

۱- مطلب فوق را مکرراً در گروه خود بخوانید و مفاهیم آن را خوب فرا گیرید و مانند دوره های قبل از یکدیگر سؤال کنید و مطالب را به زبان خود بیان نمایید.

۲- جهت معرفی مطلب فوق بعضی مبحثها برای شما مناسبتر به نظر می رسد. لیستی از برخی مواضع بحث، ذکر شده است. مشخص نمایید در کدامیک می توانید موضوع فوق را به نحوی طبیعی ذکر نمایید، و توضیح دهید به چه نحو این کار را انجام خواهید داد:

- وضع جامعه امروز
- حیات بعد از ممات
- سواد آموزی
- نیاز به اینکه هر انسانی باید یک شغل و یا حرفه ای در زندگی خود داشته باشد.

۳- مطالبی که در مبحث فوق ذکر شد معمولاً به مذاکرات در برخی مواضع امریه منجر می شود اگر از شما سؤال کنند بعضی از این مرئیان که می گوئید چه اشخاصی هستند؟ چه پاسخی می دهید؟ -----

۴- بیانات مبارکه ذیل از حضرت بهاء الله راجع به مطالبی است که مطالعه کردید. با تأمل، آنها را حفظ کنید تا بتوانید در صحبت‌های خود از آن استفاده نموده در قلوب مستمعین اثر گذارید.

«جمیع از برای اصلاح عالم خلق شده اند» (۲)

«حق جلّ جلاله از برای ظهور جواهر معانی از معدن انسانی آمده» (۳)

«خواست یزدان از پدیداری فرستادگان دو چیز بود نخستین، رهانیدن مردمان از تیرگی

نادانی و رهنمایی به روشنایی دانایی. دوم، آسایش ایشان و شناختن و دانستن راههای

آن» (۴)

«در هر حال، مذکر و هادی و معرف و معلّم لازم» (۵)

قسمت چهارم:

نکات ذیل در مورد تحرّی حقیقت در مواقع متعدد مورد استفاده شما خواهد بود:

ما باید عاشق نور باشیم از هر چراغی بتابد. ما باید عاشق گل باشیم از باغی بروید. ما باید خواهان حقیقت باشیم از هر منبعی ظاهر شود. تمسّک به شکل خارجی و مناسک دینی می تواند مانع درک حقیقت کلیّه ادیان شود. اگر خواهان حقیقت هستیم باید تعصّب را رها کنیم و خرافات را بدور اندازیم چون فرق کلی است بین خرافات، تعصّب و تقلید از طرفی، و حقیقت از طرف دیگر. با درک این مطلب می توانیم به رای العین ببینیم که حقیقت نور الهی در کلیّه مظاهر الهیه تابیده است یعنی در کریشنا، موسی، زرتشت، بودا، مسیح، محمد، باب و بهاء الله.

در جستجوی حقیقت باید خود را از افکار کهنه و قدیمی فارغ کنیم، باید تعصّبات و افکار ناچیز را دور اندازیم. فکر روشن و مستعد لازم است. اگر ظرف وجود ما از خودپرستی پُر باشد جایی برای آب حیات در آن نخواهد بود. در اصل، بزرگترین مانع برای وصول به وحدت این است که افکار خود را صحیح و افکار سایرین را اشتباه پنداریم. برای رسیدن به حقیقت، وحدت و اتّحاد امری کاملاً ضروری است، زیرا حقیقت یکی است.

تمرین:

۱- مانند قسمت‌های گذشته، مطالب فوق را مکرّر در گروه خود مطالعه کنید و سؤالات مربوطه را از

یکدیگر پرسید و مطالب را با کلمات خود بیان کنید.

۲ - برخی مطالب فوق را می توان آسان تر در بعضی از مذاکرات گنجانید. لیستی از برخی مواضع بحث ذکر شده است. مشخص نمایید در کدامیک می توانید موضوع فوق را به نحوی طبیعی توضیح دهید و به چه نحو این کار را انجام خواهید داد.

- شغل زراعت با وسایل و ابزار قدیمی در مقایسه با تکنولوژی جدید

- مشکلات محیط زیست

- منازعات مذهبی

- مساوات زن و مرد

۳ - با ذکر این مطالب در مکالمه با دوستانتان فرصتی برای شما پیش می آید تا جنبه های مختلف امر را با آنها در میان گذارید. اگر از شما سؤال شد برخی حقایق مشترک در کلیه ادیان الهی کدامند؟ چه جواب می دهید؟

۴ - بیانات حضرت بهاءالله راجع به مطالبی که مطالعه کردید ذیلاً درج گردیده است. سعی کنید این بیانات را حفظ کنید تا بدین صورت بتوانید در صحبت های خود از آنها استفاده کنید:

«شکی نیست جمیع احزاب به افق اعلی متوجهند و به امر حق عامل» (۶)

«عاشروا مَعَ الْأَدِیَانِ كُلِّهَا بِالرُّوحِ وَالرَّیْحَانِ» (۷)

«با پیروان همه ادیان با سرور و شادمانی روحانی معاشرت کنید» (ترجمه)

«... دین الله و مذهب الله از برای حفظ اتحاد و اتفاق و محبت و الفت عالم است او را

سبب و علت نفاق و اختلاف و ضغینه و بغضاء نمائید» (۸)

«مذهب الهی از برای محبت و اتحاد است او را سبب عداوت و اختلاف نمائید» (۹)

قسمت پنجم:

این قسمت که شرح می دهد چگونه خداوند را فقط از طریق پیامبران می توان شناخت در مکالماتی که با دوستانتان خواهید داشت به شما کمک خواهد کرد.

این عالم غیر محدود را ملاحظه کنید. آیا این عالم می تواند بدون خالق خلق شده باشد؟ و یا خالق این دنیای نامحدود می تواند فاقد شعور باشد؟ مادیون می گویند که انسان از طبیعت به وجود آمده است ولی طبیعت شعور ندارد. آیا ممکن است چیزی که شعور ندارد انسانی خلق کند که دارای شعور باشد؟ اگر به جمیع مخلوقات نظر کنیم مشاهده می کنیم شیء مادون نمی تواند قدرت مافوق را درک کند. لذا سنگ، درخت، حیوانات هر چه قدر ترقی کنند نمی توانند به حقیقت انسان پی برند و قدرت او را تصور کنند. پس چطور انسان که مخلوق است درک حقیقت خالق کند؟

با وجودی که ادراک انسان هیچ وقت به خدا نمی رسد ولی محروم از شناخت او نیست. هر از چندی انسان کاملاً ظاهر می شود که تجلی گاه خدا بر روی زمین است. جمیع کمالات، مواهب و تجلیات خداوند در مظهر مقدس الهی نمایان است. مانند شمس که در آئینه صاف منعکس می شود. اگر بگوییم این آئینه ها مظاهرشمس حقیقتند بدین معنی نیست که شمس از مقام رفیع خود تنزل کرده و در آئینه وارد شده است. مقصود این است که آنچه جامعه انسانی از اسماء و صفات و کمالات خدا درک می کند راجع به مظاهر مقدسه او است.

تمرین:

۱- پس از مطالعه مکرر این مطلب و پاسخ به سؤالات سعی کنید مطلب را به زبان خود بیان کنید.

۲- لیست موضوعی را برای بحث، در ذیل مشاهده می کنید. لطفاً موضوعی را انتخاب کنید که با طرز فکر خود و خیلی طبیعی بتوانید مطلب شناخت خدا از طریق مظاهر او را در آن موضوع معرفی کرده و نحوه عمل آنرا ذکر کنید:

- خلقت عالم
- مزایای انرژی خورشیدی
- وجود خدا
- قدرت عقل انسان

۳- فرض کنید در مکالمه با دوستان فرصتی پیش می آید که مطلب مورد مطالعه را مطرح کنید. اگر از شما سؤال شد از جمله مسائلی که راجع به خدا از طریق مظاهر الهیه درک می کنیم چیست چه جواب می دهید؟

۴ - ممکن است دوست داشته باشید که بیانات مبارکه زیر را حفظ کنید تا در وقتی که با دوستانتان درباره این موضوعات صحبت می کنید آنها را عیناً بازگو کنید:

«معرفت مبدا و وصول به او حاصل نمی شود مگر به معرفت و وصول این کینونات
مُشرقه از شمس حقیقت» (۱۰)

«و هرگز مرغ بینش مردمان زمین به فراز آسمان دانش او نرسد» (۱۱)

«هیكل ظهور، قائم مقام حق بوده و هست اوست مطلع اسماء حسنی و مشرق صفات
علیا» (۱۲)

«لَا تُفَرِّقُوا فِي مَظَاهِرِ أَمْرِ اللَّهِ وَلَا فِيمَا نُزِّلَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْآيَاتِ وَ هَذَا حَقُّ التَّوْحِيدِ ... وَ كَذَلِكَ
فِي أَفْعَالِهِمْ وَ كُلُّمَا ظَهَرَ مِنْ عِنْدِهِمْ وَ يَظْهَرُ مِنْ لَدُنْهُمْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» (۱۳)

«در بین مظاهر الهی و آنچه از آیات که برآنان نازل شده فرق مگذارید، این است حقیقت توحید، همچنین در اعمالشان و آنچه که از نزد آنان ظاهر شده، چه که همه از جانب خداوند است.» (ترجمه)

قسمت ششم:

در برخی موارد پیش می آید که بطور خلاصه درباره حیات حضرت بهاءالله و رسالت آن حضرت صحبت کنید. مطلب ذیل دراین زمینه به شما کمک خواهد نمود:

حدود ۱۵۰ سال قبل حضرت بهاءالله در ایران ظهور نمود و تمام حیات خود را صرف تربیت و ترقی مردم فرمود. وحدت عالم انسانی را به بشریت اعلان فرمود و به مردم تعلیم داد که همه مخلوقات را خداوند بخشنده و مهربان خلق نموده و نشو و نما داده است و تعالیمی از قبیل تساوی حقوق زن و مرد، ترک تعصبات، توافق دین و علم و تربیت عمومی را ترویج فرمود.

پادشاهان شرق و علمای ایران بر علیه آن حضرت قیام نمودند زیرا تعالیم آن حضرت را مغایر منافع شخصی خود می دانستند. حضرت بهاءالله مورد آزار و استهزاء قرار گرفتند و به زندان افتادند. املاک و اموالشان در ایران غصب شد و از آنجا به بغداد و اسلامبول و ادرنه و نهایتاً به سجن عکا سرگون شدند.

در میان این مصائب و بلاها همیشه خوشحال و مسرور بودند. دشمنان نهایت سعی خود را نمودند تا از عظمت آن حضرت بکاهند ولی شهرت ایشان روز به روز بیشتر می شد. دشمنان از جمیع جهات هجوم نمودند ولی ایشان هیچ اقدامی برای دفاع از خود نکردند بلکه بالعکس در نهایت قوت و قدرت روحانی در جمیع احیان مقابل مردم نمایان بودند.

در دوران زندگانی خود همیشه فعال بودند و نیرویشان نامحدود بود. بندرت شبی را در بستر راحت بسر بردند. آن حضرت تحمل بلاها و مشقتهای شدیده نمودند تا مفهوم خدمت و محویت و فنا در عالم انسان آشکار شود، صلح عمومی تأسیس شود، ایمان انسان تقویت یابد، عقل و فهم انسان به اعلی درجات پیشرفت کند و انسان انعکاسی از صورت و مثال خدا شود. حضرت بهاءالله حقیقتاً مظهر خدا و مربی کلی عالم انسانی هستند.

تمرین:

۱- مانند همیشه این مطلب را چند مرتبه پاراگراف به پاراگراف با یکدیگر مطالعه و از یکدیگر سؤال کنید تا مطلب را به خوبی فرا گیرید و بتوانید به زبان خود بیان نمایید.

۲- لیست مواضعی برای بحث در ذیل مشاهده می کنید لطفاً موضوعی را که فکر می کنید بتوانید ضمن آن حیات حضرت بهاءالله را مقدمتاً بیان کنید علامت بگذارید، و در گروه خود توضیح دهید که چگونه موضوع را ضمن مکالمه مطرح خواهید نمود.

- حقوق انسان

- عدم عدالت در دنیای امروز

- اوضاع و احوال در خاورمیانه

- شخصیتهای مهم تاریخ

۳- عکس العمل شما در مقابل این سؤال چه خواهد بود با وجودی که تعالیم مظاهر مقدسه قبل را در

دست داریم چرا ما به حضرت بهاءالله نیاز داریم؟

۴- توصیه می گردد بیانات ذیل را حفظ کنید تا بتوانید در صحبتهای خود راجع به حضرت بهاءالله از

آنها استفاده کنید:

«قَدْ ظَهَرَ الْآنَ الْحَقِيقَةُ الْإِزْلِيَّةُ. قَدْ أَضَاءَتْ بِظُهُورِهَا كُلُّ الْآفَاقِ» (۱۴) (ترجمه)

«حقیقت ازلیه در این زمان ظاهر گردیده و به ظهور آن همه آفاق روشن شده است.» (ترجمه)

«قُلْ هَذَا مَطْلَعُ الْغَيْبِ الْمَكْنُونِ لَوْ أَنْتُمْ مِنَ الْعَارِفِينَ» (۱۵)

«همانا این جایگاه غیب پنهان است اگر شما از عارفین باشید.» (ترجمه)

«هَذَا يَوْمٌ فِيهِ آتَى الرَّحْمَنُ عَلَى ظُلُلِ الْعِرْفَانِ بِسُلْطَانٍ مَشْهُودٍ» (۱۶)

«امروز روزی است که خداوند رحمن در سایه های عرفان با قدرتی آشکار ظاهر

شد.» (ترجمه)

قسمت هفتم:

بلوغ جامعه بشری موضوع مطلب ذیل می باشد:

هر موجود زنده ای که در این دنیا زندگی می کند از شروع تا خاتمه حیاتش مراحل مختلفی را طی می کند. هر مرحله شرایط و حالات و احتیاجات مخصوص به خود را دارد. در زندگی یک انسان مرحله شیرخوارگی، طفولیت، صباوت، جوانی و بلوغ، هر یک شرایط و احتیاجات متفاوتی دارد. هر مرحله ما را برای مرحله بعد آماده می کند، قوای ذهنی ما را زیاد می کند و بصیرت ما را پرورش می دهد.

به همین ترتیب در زندگی جامعه انسانی دوران و مراحل مختلف موجود است. جامعه انسانی هم اکنون از مرحله طفولیت گذشته وارد مرحله ای می شود که سالیان دراز منتظرش بود، یعنی مرحله بلوغ. آنچه که احتیاجات زمان قدیم را برآورده می کرد حال جوابگوی احتیاجات این زمان نیست. اسباب بازیهای دوران شیرخواری و طفولیت فکر انسان بالغ را راضی نمی کند.

حال، وقت بلوغ و همچنین تجدید دیانت است. تقلید از اعتقادات قدیمه و تعصبات علت عداوت و اختلاف شده است. آنها باید فراموش شود و جای خود را به تعالیم الهیه ای دهد که برای پیشرفت و رفاه عالم انسانی در این عصر نازل شده است. این تجدید و تطور در حقیقت دیانت، اساس تمدن حقیقی است و سراج هدایت عالم است و درمان الهی بیماریهای جامعه انسانی است.

تمرین:

۱- برای فراگیری عقاید ذکر شده در گروه چند نفری این قسمت را چندین مرتبه مطالعه کرده و از یکدیگر سؤال کنید تا افکار موجود در این قسمت را به خوبی فراگیرید.

۲- یکی از مواضع ذیل را که هر کدام عنوان یک مکالمه می باشد انتخاب کنید و سعی نمایید به نحوی طبیعی افکار فوق را ضمن آن ارائه دهید و نحوه انجام این کار را با گروه خود در میان گذارید.

- تاریخ

- ادبیات معاصر

- آینده جامعه انسانی

- ناآرامی های اجتماعی در جامعه امروز

۳- اگر از شما سؤال شود از کجا می دانید که جامعه انسانی در حال ورود به مرحله بلوغ است؟ چه

جواب می دهید؟

۴- ممکن است مایل باشید بیانات ذیل را حفظ کنید:

«هر روز را رازی است و هر سر را آوازی درد امروز را درمانی و فردا را درمان دیگر» (۱۷)

«امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید» (۱۸)

«جميع اهل ارض در این عصر در حرکتند و سبب و علت آن را نیافته اند» (۱۹)

قسمت هشتم:

همه در فکر تأسیس صلح جهانی می باشند. مطلب ذیل به شما کمک می کند تا بتوانید نظر دیانت بهایی را در این خصوص در حین مذاکرات خود مطرح نمایید:

امروزه بزرگترین مبارزه عالم بشری تأسیس صلح است. صلح نور است، جنگ ظلمت. صلح حیات است، جنگ ممات. متجاوز از یک قرن پیش حضرت بهاءالله اعلان صلح عمومی فرمودند و تعلیمی آوردند که استقرار صلح عمومی را امکان پذیر می سازد.

یکی از این تعلیم، تحرّی حقیقت است. اگر به مردم اجازه داده شود خود، حقیقت را جستجو کنند وحدت عالم انسانی را ملاحظه خواهند نمود. حقیقت یکی است و از طریق آن، وحدت عالم انسانی شناخته خواهد شد. تعصّبات از هر نوع، جنسی، نژادی، طبقاتی، ملیتی و درجه تمدن مادی هم باعث اختلاف می شود. اگر قبول کنیم که به جای تقلید کورکورانه از عقاید قدیمه حقیقت را جستجو کنیم البته هر نوع تعصّب را از بین خواهیم برد.

تعالیم حضرت بهاءالله دربارهٔ دین، تمایزی آشکار بین دین حقیقی و خرافات قائل می شود. دین حقیقی باید مطابق با علم و عقل باشد. دین باید سبب الفت و محبت باشد. اگر باعث اختلاف و نفرت شود بی دینی بهتراست. از دیگر تعالیم حضرت بهاءالله تساوی حقوق زن و مرد است. می توانیم جامعه انسانی را به پرنده ای تشبیه کنیم که یک بال آن زن است و دیگری مرد. برای پرواز پرنده هر دو بال باید به یک اندازه قوی شود. از دیگر تعالیم آن حضرت اهمیت تعلیم و تربیت عمومی، فواید داشتن یک لسان بین المللی و لزوم تمسک به راه حل های روحانی برای رفع مشکلات اقتصادی است.

جامعه انسانی باید از عالم طبیعت آزاد شود. انسان خلق شده است تا مدنیت جهانی را پیش برد. ولی مدنیت دو نوع است یکی روحانی و دیگری مادی و تا هر دو با هم متحد نشوند سعادت و خوشبختی عالم انسانی متحقق نخواهد شد. تا وقتی که عدالت در زندگی افراد حکمفرما نشود همه چیز در بی نظمی و نقص باقی خواهند ماند.

تمرین:

۱- مطلب فوق را در گروه خود بخوانید سپس یکی از مواضع ذیل را انتخاب کنید و به نحوی طبیعی افکار فوق را ضمن آن ارائه دهید و نحوهٔ انجام این کار را با گروه خود در میان گذارید.

- تحریم سلاح های کشتار جمعی

- انتشار اغتشاش و تروریسم در دنیا

- وحشیانه بودن جنگ

- آنچه باعث سرور ما می شود

۲- اگر از شما سؤال شود همیشه جنگ بوده است، چه چیزی باعث می شود که شما فکر کنید که حال

صلح امکان پذیر است؟ چه جواب می دهید؟

۳- پیشنهاد می شود نصوص ذیل از حضرت بهاءالله را حفظ کنید:

«نمُوْ عالم و تربیت امم و اطمینان عباد و راحت مَن فی البلاد از اصول و احکام

الهی (است)» (۲۰)

«... دین... سبب بزرگ از برای نظم جهان و اطمینان مَن فی الامکان (است)» (۲۱)

«این اصلاح و راحت ظاهر نشود مگر به اتحاد و اتفاق و آن حاصل نشود مگر بنصایح قلم

اعلی» (۲۲)

قسمت نهم:

موضوع وحدت عالم انسانی محور تعالیم بهایی است که اغلب در مباحثات خود بسیار به آن اشاره خواهید نمود.

باغی که در آن همه گیاهان یک شکل و یک رنگ باشند زیبا نیست. چنین باغی یکنواخت و کسل کننده است. ولی باغی که در آن گل‌های بسیار با رنگ‌ها و عطرهای مختلف وجود دارد چشم را نوازش می‌دهد. این تنوع رنگ‌ها بر جلوه و زیبایی باغ می‌افزاید. اگر چه این گل‌های زیبا تفاوت‌هایی دارند ولی همه از یک باران آبیاری می‌شوند و از یک آفتاب حرارت می‌یابند. این مطلب در مورد انسان نیز صادق است. مردم از نژادها و رنگ‌های مختلفه می‌باشند ولی همه را یک خدا خلق کرده است و اصلشان یکی است. کثرت و تنوع در خانواده بشری باید باعث محبت و هماهنگی شود مانند موسیقی که نت‌های مختلف کنار هم قرار می‌گیرند و همزوج می‌شوند تا آهنگ کاملی ساخته شود.

وحدت، لازمه وجود است. محبت، تنها علت حیات است. در عالم مادی، وجود هر چیزی موکول و منوط به اتحاد است. جمیع اجزاء و عناصر به واسطه قوه جاذبه به یکدیگر پیوسته اند. قوه جاذبه اجزاء و عناصر مختلف را به یکدیگر تألیف می‌دهد و به شکل گلی زیبا در می‌آورد و لکن چون این قوه جذب و تألیف از آن گرفته شود این عناصر تجزیه می‌شوند و تحلیل صورت می‌گیرد و گل از بین می‌رود. همین قانون در حیات عالم انسانی نیز مصداق دارد. جذب، هماهنگی و اتحاد قوایی هستند که بشریت را به یکدیگر تألیف می‌دهند.

حضرت بهاءالله برای اتحاد جمیع اهل عالم طرحی را ایجاد فرموده اند. ما باید با تمام قوا بکوشیم که تعداد هر چه بیشتری از افراد را در دایره این نقشه الهی وارد نماییم. وقتی با مردم از نژادها و ملیتها و ادیان و عقاید مختلف ملاقات می‌کنیم نباید اجازه دهیم این اختلافات سدّی ما بین ما ایجاد نمایند. ما باید آنها را گل‌های رنگارنگی که در گلستان زیبای بشریت روئیده اند بدانیم و از اینکه در میان آنها هستیم مسرور باشیم.

تمرین:

۱- قسمت فوق را مطالعه کنید و عناوینی را که برای شما مناسب است تا ضمن آن عقاید آموخته را ارائه دهید علامت بگذارید و نحوه انجام این کار را با گروه خود مطرح کنید.

- باغبانی
- تنوع و کثرت
- زیبایی طبیعت
- تعصبات طبقاتی

۲- اگر از شما سؤال شود برای اتحاد مردم دنیا چه می‌توان کرد؟ چه جواب می‌دهید؟

۳- شاید مایل باشید بیانات ذیل را حفظ کنید تا بتوانید حین صحبت‌های خود از آنها استفاده کنید:

«ای دوستان سرافرده یکانگی بلند شد به چشم بیگانگان یکدیگر را مبینید همه بار یک

دارید و برگ یک شاخسار» (۲۳)

«نور اتفاق آفاق را روشن و منور سازد» (۲۴)

«به اتحاد توجه نمایید و به نور اتفاق منور گردید لوجه الله در مقری حاضر شوید و

آنچه سبب اختلاف است از میان بردارید» (۲۵)

«باید به اسبابی که سبب الفت و محبت و اتحاد است تشبّت جویند» (۲۶)

قسمت دهم:

عدالت یکی دیگر از مواضع مورد علاقه مردم است. مطلب ذیل به شما کمک می کند بعضی از مبادی این موضوع مهم را با دیگران در میان گذارید:

تفاوت استعداد افراد اساس حیات بشری است. امکان ندارد همه مردم مساوی یا مثل هم باشند، ولیکن روابط فیما بین افراد باید براساس اصل عدالت برقرار گردد.

عدالت محدود نیست، بلکه یک صفت عمومی است و باید در جمیع طبقات جامعه حکمفرما باشد. عدالت باید محترم باشد و حقوق همه مردم باید حفظ شود. قوانین جامعه باید به نحوی وضع شود و اجرا گردد که تعدادی از مردم نتوانند دارای ثروت زیاد شوند و بقیه محتاج و فقیر باشند. یکی از تعالیم حضرت بهاءالله از بین بردن شکاف فاحش بین فقیر و غنی است.

هر عضو جامعه می بایست از فواید مدنیت بهره برد چون هر فرد عضو هیکل جامعه انسانی است. اگر عضوی از اعضاء این هیکل دچار درد و پریشانی باشد بقیه اعضاء نیز ضرورتاً در رنج خواهند بود. چطور ممکن است عضوی در رنج و سایر اعضاء راحت باشند؟ ولیکن امروز به سبب ضعف روابط همبستگی، بعضی از افراد راضی می شوند که در نهایت آسایش و رفاه زندگی کنند در حالی که بقیه حتی از غذا و مسکن مورد نیاز محروم هستند. جامعه امروز فاقد تناسب و تعامل ضروری است. امور این جامعه به خوبی تنظیم نشده است. اصول و قوانینی لازم است تا سعادت و رفاه هر یک از اعضای خانواده انسانی را تأمین نماید.

عدالت بر دو ستون مجازات و مکافات استوار است. مردم به امید مکافات و ترس از مجازات به عدالت برانگیخته می شوند. اگر بخواهیم از ظلم جلوگیری کنیم این دو عامل لازم است. قانونگذاران و مجریان آن باید از عواقب روحانی تصمیمات خود آگاه باشند. وقتی شخص مسؤولی بداند که در عالم بعد مسؤول اعمال خود خواهد بود با عدالت رفتار خواهد نمود. حاکمی که می داند قضاوت او در میزان عدل الهی قرار خواهد گرفت بدون شک از ظلم دست برخواهد داشت.

تمرین:

۱- در گروه چند نفری این قسمت را چندین مرتبه مطالعه کنید و آن را به خوبی فرا گیرید. یکی از مواضع ذیل را انتخاب کنید و سعی نمایید به نحوی طبیعی افکار فوق را ضمن آن ارائه دهید و نحوه انجام این کار را با گروه خود در میان گذارید.

- حقوق انسان

- ظلم

- از بین بردن فقر

- بیکاری

۲- اگر از شما سؤال شود چگونه فقر و غنای فاحش را از بین برد؟ چه جواب می دهید؟ ---

۳- پیشنهاد می شود نصوص ذیل را حفظ کنید:

«سراج عباد داد است او را به بادهای مخالف ظلم و اعتساف خاموش ننمایید و مقصود

از آن ظهور اتحاد است بین عباد» (۲۷)

«هیچ نوری به نور عدل معادله نمی نماید. آن است سبب نظم عالم و راحت امم» (۲۸)

«مربی عالم عدل است چه که دارای دو رکن است مجازات و مکافات و این دو رکن دو

چشمه اند از برای حیات اهل عالم» (۲۹)

قسمت یازدهم:

وقتی با دوستانتان صحبت می کنید می توانید خیلی راحت موضوع تساوی زن و مرد را در صحبت به میان آورید. خورشید ظاهری به وسیله حرارات و نور خود، وجود خارجی و ماهیت همه اشیاء روی زمین را ظاهر می سازد. بدون اشعه خورشید ماهیت اشیاء در ظلمت باقی می ماند. به همین شمس ظهور حضرت بهاءالله که با تمام شکوه در آسمان روحانیت می درخشد، حقایق را که از قبل پنهان بود آشکار ساخته است. یکی از این حقایق تساوی حقوق زن و مرد است. در پرتو اشعه شمس حقیقت استعدادهای زنان چنان روشن و عیان گشته که در حال حاضر تساوی حقوق زن و مرد حقیقی است که در عالم تأسیس گردیده است.

حضرت بهاءالله به وضوح فرموده اند که در نزد خدا فرقی میان زن و مرد نیست. علت عدم مساوات در سالهای گذشته برتری مردها نبوده است بلکه بدین علت بوده که به زنان فرصت مساوی داده نشده تا استعدادات و قوای خود را ظاهر نمایند. با وجود تعصبات بر علیه طبقه نسوان، تاریخ، حیات تعداد کثیری از نسوان را که پیروزیهای عظیمه ای داشته اند ثبت نموده است.

اولین زنی که حقیقت رسالت جدید خدا را قبول نمود یک زن شاعر ایرانی به نام طاهره بود. چون طاهره به امرالهی مؤمن گردید و به حقیقت ظهور جدید پی برد حقیقت مساوات بین زن و مرد را کاملاً درک کرد و تمام زندگی و نیروی خود را صرف اعلان این حقیقت نمود. علم و فصاحت او اعظم علماء آن زمان را متحیر ساخت. با وجودی که تمام قوای پادشاه ظالم و علماء جاهل و مغرور بر علیه او به کار گرفته شد وی لحظه ای در بیان حقیقت توقّف نکرد. و در نهایت، جان خود را فدای امری نمود که با چنان ثبات و استقامتی به آن معتقد بود.

اعتقاد به امری که خدا وضع نکرده است جهل و اوهام است. امروزه باید به زنان فرصتهای کافی داده شود تا تعلیم و تربیت یابند و به طور مساوی همانند مردان در جمیع میادین فعالیت‌های بشری وارد شوند، تا تساوی زن و مرد در این دنیا همانطور که در عالم روحانی موجود است متحقق نشود پیشرفت حقیقی در عالم انسانی واقع نخواهد شد.

تمرین:

۱- در گروه خود این قسمت را چندین مرتبه مطالعه کنید تا آن را به خوبی فراگیرید و یکی از مواضع ذیل را انتخاب کنید و سعی نمایید به نحوی افکار فوق را ضمن آن ارائه دهید و نحوه انجام آنرا با گروه خود در میان گذارید.

- حیات عائله

- تأسیس صلح

- زنان برجسته تاریخ

- پیشرفت عالم انسانی

۲- اگر از شما سؤال شود اگر زن در همه کارها با مرد مساوی شود چه کسی تربیت اطفال را به عهده

خواهد گرفت؟ چه جواب می دهید؟

۳- حفظ بیانات ذیل از حضرت بهاءالله در این موضوع بسیار مفید خواهد بود:

«اناث و ذکور عندالله واحد بوده و هست» (۳۰)

«هَلْ عَرَفْتُمْ لِمَ خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تَرَابٍ وَاحِدٍ لِئَلَّا يَفْتَخِرَ أَحَدٌ عَلَى أَحَدٍ» (۳۱)

«آیا می دانید چرا شما را از یک خاک آفریدیم؟ تا اینکه احدی بر دیگری مباهات نکند.» (ترجمه)

«امروزید عنایت، فرق را از میان برداشته عباد و اماء در صُقع واحد مشهود» (۳۲)

قسمت دوازدهم:

آخرین قسمتی که از شما خواسته شده فراگیرید موضوع تعلیم و تربیت عمومی است. یکی از تعالیمی که مورد تأکید حضرت بهاءالله قرار گرفته است تعلیم و تربیت عمومی است. پیشرفت تعلیم و تربیت یکی از ضروری ترین احتیاجات زمان حاضر است. هیچ ملّتی رفاه و آسایش نمی یابد مگر آنکه تعلیم و تربیت را یکی از اهداف اساسی و مرکزی خود قرار دهد. سبب اصلی سقوط و تدّنی هر ملّتی جهل و نادانی است. تعلیم و تربیت موجب شرافت، رفاه، استقلال و آزادی حکومتها و ملّتها است.

تعلیم و تربیت باید از دوران شیرخوارگی آغاز گردد. وظیفه هر پدر و مادری است که با تمام وجود بکوشند تا فرزندان خود را تربیت نمایند و بر اساس مبانی روحانی و اخلاقی وجود آنان را صیقل دهند و علوم و فنون بیاموزند. مادران اولین مربیان عالم انسانی می باشند. اطفال را در گهواره مراقبت نموده و از ندی علم و معرفت شیر می دهند. هر طفل باید تربیت شود. این امری نیست که در آن سهل انگاری شود. اگر والدین از نظر مادی توانائی داشته باشند باید خرج تعلیم فرزندان خود را بدهند و الا جامعه باید وسایل تعلیم اطفال را فراهم کند.

تعلیم و تربیت باید در هر فردی شوق وصول به تعالی را پرورش دهد. انسان باید شیفته کمالات انسانی باشد و آن را دنبال کند. باید انسان سعی نماید از نظر روحانی ممتاز باشد و به فضائل عالم انسانی مانند صداقت و امانت و خدمت به بشریت و محبّت و عدالت مشهور شود. باید سعی نماید در اقدامات خود برای ترویج صلح و وحدت و پیشبرد علم و دانش ممتاز باشد. هدایت نفوس در این سبیل هدف اصلی تعلیم و تربیت است.

تمرین:

۱- در گروه چند نفری این قسمت را چندین مرتبه مطالعه کنید تا افکار موجود در این قسمت را به خوبی فراگیرید و یکی از مواضع ذیل را انتخاب کنید و سعی نمایید به نحوی طبیعی افکار فوق را ضمن آن ارائه دهید و نحوه انجام این کار را با گروه خود درمیان گذارید.

- تربیت اطفال

- پیشرفت اجتماعی

- قدرت علم

- سیستم تعلیم در مدارس

۲- اگر از شما بپرسند چگونه می خواهید بلیونها مردمی را که الان روی کره زمین هستند، تعلیم و

تربیت دهید؟ چه جواب می دهید؟

۳ - پیشنهاد می شود بیانات ذیل را حفظ کنید:

«انسان بی علم و هنر محبوب نه، مثل اشجار بی ثمر بوده و خواهد بود» (۳۳)

«همّت را در تربیت اهل عالم مصروف دارید» (۳۴)

«سبب علوّ وجود و سموّ آن، علوم و فنون و صنایع است. علم به منزله جناح است از

برای وجود و مرقّات است از برای صعود» (۳۵)

«فی الحقیقه کنز حقیقی از برای انسان علم اوست و اوست علّت عزّت و نعمت و فرح و

نشاط و بهجت و انبساط» (۳۶)

مراجع

- ۱- از بیانات حضرت عبدالبهاء مذکور در دور بهایی به قلم حضرت ولی امرالله، ص ۶۸ (چاپ آلمان)
- ۲- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۰۹، ص ۱۴۰
- ۳- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۳۲، ص ۱۸۴
- ۴- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۳۴، ص ۵۸
- ۵- لوح مقصود (مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، آلمان)، ص

۹۵

- ۶- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۱۱، ص ۱۴۱
- ۷- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۴۳، ص ۶۸
- ۸- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۱۰، ص ۱۴۰
- ۹- کتاب عهدی (مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، آلمان) ص ۱۳۵ - ادعیه حضرت محبوب، ص ۳۹۶
- ۱۰- کتاب ایقان (چاپ هندوستان) ص ۷۴، (چاپ آلمان، ص ۹۴)
- ۱۱- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۳۴، ص ۵۹
- ۱۲- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۲۸، ص ۵۳
- ۱۳- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۲۴، ص ۴۶
- ۱۴- اصل یافت نشد.
- ۱۵- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۴، ص ۲۸
- ۱۶- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۸، ص ۳۷
- ۱۷- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۰۶، ص ۱۳۸
- ۱۸- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۰۶، ص ۱۳۸
- ۱۹- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۹۶، ص ۱۲۸
- ۲۰- لوح اشراقات - اشراق نهم (مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، آلمان) ص ۷۶ - نبذه من تعالیم حضرت بهاءالله ص ۲۸
- ۲۱- کلمات فردوسی، ورق دوم (مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، آلمان) ص ۳۴ - نبذه من تعالیم حضرت بهاءالله ص ۴۸
- ۲۲- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۳۱، ص ۱۸۳
- ۲۳- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۱۲، ص ۱۴۲
- ۲۴- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۳۲، ص ۱۸۴
- ۲۵- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۱۱، ص ۱۴۱

- ۲۶- لوح دنیا (مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، آلمان ۱۳۷
ب) ص ۵۰ دریای دانش ص ۹۱
- ۲۷- کلمات فردوسی، ورق ششم (مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس
نازل شده، آلمان) ص ۳۶، نبذه من تعالیم حضرت بهاءالله ص ۵۲ - ۵۱
- ۲۸- حضرت بهاءالله، کتاب ظهور عدل الهی ص ۵۸
- ۲۹- لوح بشارات، بشارات ۱۳ (مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل
شده، آلمان) ص ۱۴
- ۳۰- حضرت بهاءالله (مجموعه نصوص مبارکه در مقام زن، دائره نصوص و الواح، جون ۱۹۸۷) شماره

۵۴

- ۳۱- حضرت بهاءالله، کلمات مکنونه عربی، شماره ۶۸
- ۳۲- حضرت بهاءالله (مجموعه نصوص مبارکه در مقام زن، دائره نصوص و الواح، جون ۱۹۸۷) شماره ۳
- ۳۳- از الواح حضرت بهاءالله، مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهایی، ص ۱۰
- ۳۴- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، شماره ۱۵۶ ص ۲۱۴
- ۳۵- حضرت بهاءالله، لوح ابن ذئب (چاپ آلمان) ص ۲۰
- ۳۶- حضرت بهاءالله، لوح ابن ذئب (چاپ آلمان) ص ۲۱